



ارکان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۴۰۲
سه شنبه ۲ دی ۱۳۵۹ ، مطابق با
۱۵ صفر ۱۴۰۱ ، بهای ۱۵ ریال

نورالدین
کیانوری

درباره «القاء ایدئولوژی»

ادعاهای واقعیت‌ها

این مقاله برای شماره ۱۰-۹ مجله «دنیای» تهیه شده است. از آنجا که تا انتشار این شماره مجله مدتی به طول خواهد انجامید، متن آن در شماره امروز نامه «مردم» به چاپ می‌رسد.
صفحه ۴

آیت الله طالقانی:

«مگر همیشه ما را با این جنای تکویده اند؟ جنای خطر کونیسم، ۲۸ مرداد هم ما را با این جنای کوییدند، همین مسجد، در همین جا تفسیر را گفتیم. من در ۲۸ مرداد در ده بودم، آنجا وسیله روزنامه رادیو و اینها آتوتت نیود، شنیدم که کودتا شده و دکتر مصدق سقوط کرده و دولتش سقوط کرد. بسرعت آمدم تهران، وقتی آمدم در همین محراب و همین مسجد، همین حاج ابراهیم خردمان (خانم مسجد هدایت) که آتوتت مشهدی ابراهیم بود و حالا

فبیدم نه برای من، برای تمام مراجع دین، برای مرحوم آیت‌الله بروجردی، آتقدر نامه‌های تهدیدآمیز نوشته‌اند، ولی خوب ما می‌دانیم، نمی‌خواهم بگویم اینها مال اینها بوده است، مال آقایان کونیست‌ها بوده است، بعد هم فبیدم منشاش از کجاست ولی به این اسم هم روحانیت و هم توده مردم را ترسانند یعنی کونیست ضدخدا، ضددین، ضدنبوت، ضد وحی، می‌خواهد بیاید دین شما را ازین ببرد، استعمارگران را ترسانند که این کشور می‌رود ضمیمه‌شود به کشورهای کونیست و منافق شما ازین می‌رود. در این میان یک‌مشت اوباش را راه‌انداختند با یک مشت قزاقها و قلدرهایی که الان هم هنوز که‌مانده‌اش هستند و سروردا

می‌کنند. این‌جور مردم را کوییدند. و این نفیست را درم شکستند و بعد از آن چندر کشته دادیم؟

... این تجربه تلخ را داریم و ملت ایران این تجربه را دارد و در این مدت همیشه توی سر ما زدند، حتی مرا محکوم کردند. روزاولی که مرا به کیت بردند کیت‌چی‌ها گفتند، این یک آخوند کونیست است. پس معلوم میشود با این شعار می‌خواهند هر نفسی را بکویند. (از سخنرانی فقید سعید آیت‌الله طالقانی)

در شب اربعین (دیماه ۱۳۵۷)، بنقل از کتاب «طالقای و تاریخ» تألیف بهرام افراسیابی رسعید (دهقان)

پاسخ دولت ایران به پاسخ دولت آمریکا در مورد شرایط آزادی «گروگانها» منتشر شد

شرایط دولت ایران در مورد آزادی «گروگانها» منطقی و معقول است

امپریالیسم آمریکا نمی‌خواهد تصد کند که «از این پس» در امور داخلی ایران دخالت نخواهد کرد.

پس از گذشت بیش از یکماه از تاریخ اعلام شرایط پیشنهادی مجلس شورای اسلامی ایران برای آزاد شدن «گروگانها»، دولت آمریکا پاسخ خود را در ۱۳ آذرماه ۵۹، از طریق دولت الجزایر به دولت ایران تسلیم کرد. متن این پاسخ هنوز انتشار نیافته است، ولی پاسخ مجدد ایران به دولت آمریکا که از طریق دولت الجزایر فرستاده شد، و متن کامل آن در تاریخ ۳۰ آذرماه ۵۹ توسط آقای بزرگ تویی، سخنگوی دولت و وزیر مشاور در امور اجرائی، منتشر گردید، نشان میدهد که دولت آمریکا بیچوجه درصدد برآوردن خواسته‌های بحق و منطقی دولت ایران نیست و به روش همیشگی خود یعنی روش باجگیری و معامله بگرفته، یعنی گرفتن همه‌چیزه درقبال دادن «هیچ» تومنل جسته است. این پاسخ نشان میدهد که تا چه حد دعای امپریالیسم آمریکا و گردانندگان سیاست دولت آمریکا در دلسوزی برای «گروگانها» پوچ و بی‌محتوی و درواقع پوششی بینه درصفت ۲

هشدار به مجاهدین خلق

مجاهدین خلق در حرف از امپریالیسم سخن می‌گویند، ولی در عمل دشمنان می‌دهند که اثر بیچوجه نشانده‌اند.
اشباهان مجاهدین خلق آنها را به استبداد بورژوازی و استبداد پادشاهی بدل کرده است

مجاهدین خلق به‌راخبر خلیفان کام نباده‌اند، راهی که پیشک فقط بود انقلاب و تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای آن نیست، نه فقط - آنگونه که مجاهدین بدان معتقد هستند - از علیه سيطرة امپریالیستی پس کشور ما و وابستگی‌های مهلك به سیستم جهانی سرمایه‌داری متوجه نیست، بلکه درست‌بود توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، سرسپردگان و پیروان داخلی آن، و به زبان استقلال و آزادی مردم ایران نام میشود. اعضاء و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، در مجموع خود از زمره افسار و لبقانی هستند که در قلع سيطرة

را با خطر نابودی مواجه‌ساخته‌اند، متوجه سازند و با دشواریها و مخازن و نارساییهای انقلاب ایران از درجه مصالح مجموع جنبش انقلابی ایران، که در پی کار مرگ و زندگی با امپریالیسم جانیکار آمریکا و طبقات و اقشار ذنفع درجای سيطرة امپریالیستی بسر می‌برد، برخورد کنند. متأسفانه، مجاهدین خلق ایران، تا بحال، بیش از آنکه در جهت اتحاد قسری، ای انقلابی علیه امپریالیسم آمریکا و وابستگی داخلی آن باشند، خود به تفرقه دامن زده‌اند و با «س» تحریک آمیز و حساسیت‌ناقص، ملطیان و بی‌رسمه‌ها، تشریح و غناس متعارف، که روشی بینه زبان

توسط رزمندگان نیروی هوایی:

یک پادگان نظامی، ترمینال نفتی و یک اسکله در جنوب شرقی عراق بمباران شدند

طی دو روز گذشته حدود ۱۵۰ تن از مزدوران دشمن به هلاکت رسیدند.

بمباران جنوبی عراق
ایران با رشادت و شجاعت و شایسته و مبارزه با تجاوزگران ستمگر تمام جبهه‌ها را مدافع می‌داند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه‌ای ۳۰۰ خطی در روز ۲۹ آذرماه، عملیات ملامت‌آمیز ارتش در جنوب عراق را محکوم کرد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است:

در جبهه‌های غرب
۱- در منطقه ارتفاعات دوازده دراز در اثر آتش توپخانه و خمپاره‌انداز رزمندگان جانشان نیروی زمینی ارتش جمهوری

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی دیروز در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت:

انتظار داشتیم آمریکا بعد از شکست رژیم عراق دست به توطئه جدیدی بزند

ایران با همه قدرتش علیه انقلاب ایران تلاش کرده و باز هم خواهد کرد

تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به فیدل کاسترو

رفیق ارجمند فیدل کاسترو، دیر اول کیت مرکزی حزب کونیست کوبا
هوئیت دومین کنگره حزب کونیست کوبا و همچنین انتخاب مجدد شما را به سمت دیر اول کیت مرکزی حزب کونیست کوبا، به شما، به کونیستهای کوبا و به خلق کوبا صمیمانه تبریک می‌گویم و کامیابی بازم بیشتری را برای شما، کونیستهای کوبا و خلق کوبا در کار سازنده برای تحکیم سوسیالیسم در جزیره آزادی آرزو مندیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
دیر اول: نورالدین کیانوری
(۱۳۵۹، ۱۰، ۱۴)

مردم شوروی پشتیبانی خود را از انقلاب ایران ابراز می‌دارند

همکاری‌های سودمند اقتصادی - فنی ایران و شوروی

ایران نهفته است، اطلاعاتی واحدی معدودی که ملی سالهای اخیر با همکاری کشور-های غربی در ایران ساخته شده‌اند، تنها با استفاده از مواد خام و انرژی کار می‌کنند. پس از انقلاب، تولید فراورده‌های این واحدها محدود گردید زیرا تسهیلات خارجی نیه گند، مواد اولیه و فرآورده‌های نیه گند، از ایران استرانه شده، خودداری کرده و اینک نیز در تحریم اقتصادی، که ایالات متحده

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

لیبرال کیست؟

لیبرالها، مدافع سرمایه داری و غارت و استثمار زحمتکشان هستند. آنها جرات آنرا ندارند که صریحا این عقیده خود را مطرح سازند، اما گاه و بیگاه، اینجا و آنجا، نیت واقعی خود را در پوشش های مختلف بیان می آورند. امکان می دهند که چهره واقعی آنها را از روی دعای گوناگون پنهان کنند. اینهم نمونه هایی دیگر از مقاصد اصلی لیبرالها:

«کار جهانی رسیده است که اپوزد بنام اسطوره مبارزه با سرمایه دار معرفی میشود»

(میزان، شماره ۱، مهدی چلتنی)

«همه کارفرمایان شیطان صفت و مستکبر نیستند»

(میزان، ۳۰ آذرماه ۵۹)

«مستضعف بمعنای فقیر و بیچاره و مسکین نیست»

(همانجا)

چنانکه از نظریات لیبرالها معلوم میشود، آنها نه فقط معتقدند که بخشی از کارفرمایان، «بیکسو صفت» و غیر مستکبرند، بلکه همچنین پندشان نمی آید که آنها را «مستضعف» هم معرفی کنند. آنها میکوشند تا مرز میان مستضعفین و مستکبرین را برهم بزنند و مردم کوچک و بازار و جنوب شهر را با کارفرمایان و بازاریان و پاسزوروشهای مستکبر، مخلوط کنند و سرانجام خود به لباس مستضعف در آیند!

از گرداندگان «میزان» باید پرسید که: آیا حاضرند دعای خود را به محک واقعیت بزنند؟ بسیار خوب! آیا آقایان می توانند ۱۰ کارفرمای «فرشته صفت» و «مستضعف» نام ببرند، که کارگران آنها از «مهربانی» های فزون از حد آنان درغذاب نباشند؟!

پاسخ دولت ایران ...

بقیه از صفحه ۱

برای مقاصد غارتگرانه انحصارات امریالیستی بوده است. شرایط مجلس شورای اسلامی ایران برای آزاد کردن «گروگنهایی» که یکسال است تمام بلندگوهای تبلیغاتی امریالیستی و تمام سردمداران سیاست دولت آمریکا، و نیز لیبرالها و سازشکاران داخلی برای آنها دل میسوزانند، آنچنان عادلانه و منطقی بود که حتی مقامات آمریکائی نیز نتوانستند ایرادی بر آنها وارد سازند. ولی واقعیت آنست که سیاست آمریکا را «حقوق بشر» و «انسان دوستی» تعیین نمی کند، بلکه این انحصارات غارتگر آمریکائی هستند که برای احیای مواضع غارتگرانه خویش در ایران، انواع توطئه ها را علیه انقلاب ایران ترتیب میدهند، انواع مداخلات را، از تجاوز نظامی تا کودتاسازی و تحریک کشورهای دست نشانده به جنگ علیه ایران، سازمان میدهند و «گروگانها» را پنهان برای استتار جنایات خویش بدل کرده اند. درواقع پاسخ دولت آمریکا به شرایط عادلانه دولت ایران نیز توسط همین محافل نوشته شده است و نشان میدهد که امریالیستهای آمریکائی هنوز عادت نکرده اند و نمیخواهند با جمهوری اسلامی ایران چون یک کشور مستقل و نه دست نشانده مانند دوران حاکمیت رژیم منور پهلوی- روبرو شوند، در پاسخ اخیر ایران به دولت آمریکا آمده است:

«تصديقات پیشنهادی دولت مزبور، پاسخگوی کلیه موارد مورد نظر مجلس شورای اسلامی ایران نیست و در برخی موارد نیز، نیاز به اصلاحاتی در پاسخها و تغییراتی در روشهای اجرائی دارد و تنها با این اصلاحات و تغییرات است که می تواند تصدیقات مزبور به عنوان حداقل لازم، برای دولت جمهوری اسلامی ایران قابل قبول گردد.»

چنانکه از پاسخ دولت ایران برمی آید، دولت آمریکا، نخستین شرط مجلس شورای اسلامی ایران، یعنی شرط تصد عدم مداخله در امور ایران را در چنان تغییر داده است که بتواند، به روش همیشگی، به مداخله در امور ایران و عوطله علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بپردازد، عملی که هم اکنون با تمام قوا بیگیری میشود.

امریالیستهای آمریکائی موزیانه، قید «از این پس» را در مورد عدم مداخله در امور داخلی ایران، برداشته اند و بجای آن «شناسائی» دولت جمهوری اسلامی ایران را قرار داده اند! بدین معنی که آنها روشن گذاشته، اکنون و آینده خود را نسبت به ایران، یکسان وانمود کرده و تنها به شناسائی دولت ایران (که امریالیستها امیدوارند با ایجاد دولت «آزاد» بختیار، آنرا پس بگیرند) بسنده کرده اند.

این پاسخ بخوبی روشنتر و اثباتگر این حقیقت است که امریالیستهای آمریکائی ریکی به کفش دارند و درواقع نمیخواهند و نمی توانند تصد کنند که «از این پس» در امور داخلی ایران مداخله نوزند، آنگاه درست در شرایطی که تمام قوای خود را برای تدارک توطئه های عظیم علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بسیج کرده اند، پاسخ دولت ایران به پاسخ دولت آمریکا، با طرح حداقل شرایط و تضمینات، پاسخی منطقی و معقول است: سپردن تضمینی بالغ بر ۲۴ میلیارد دلار توسط آمریکا در ازای حداقل ۵۰ میلیارد دلار سپرده های ایران نزد بانکهای آمریکائی و اموال غارتی ایران برسد شاه ملعون، که نزد بانکهای آمریکائی نگهداری میشوند، برای دولتهای مردمی که روابط خود را با دیگران براساس برابری و عدالت تنظیم می کنند، تضمین قابل قبولی است، اما برای غارتگرانی که دنیا را ملک طلق خود می پندارند و جن منقلب را هنر سر گردنه، منطقی نمی شناسند، بیشک شرایطی «غیرمنطقی» خواهد بود و این پاسخی است که هاسکی، وزیر امور خارجه آمریکا، در قبلیشیناسد.

دی اخیر ایران، عنوان کرده است.

پاسخ دولت آمریکا در قبال موضع اصولی و منطقی دولت و «اس ایران، بیشک حقانیت دولت ایران را در برابر افکار عمومی جهان بیشتر به اثبات خواهد رسانید و منطبق گمگ هار امریالیسم را بیشتر متفصح خواهد ساخت.

بیشک امتناع دولت آمریکا از این که تصد کند «از این پس» در امور داخلی ایران دخالت نخواهد کرد، بیاعتنائی این امریالیسم جهانیوار به موازین بین المللی را بیشتر آشکار خواهد ساخت و امتناع وی از استرداد حقوق مردم ایران، که یا توسط رأگفله ها و محمدرضا و اعوان و انصارش، غارت شده اند، آمریکا را بیش از پیش در انتظار جهانیان رسوا خواهد کرد.

شاید امریالیسم آمریکا به این زودبیا به خواستهای ایران تن ندهد، اما موضع دولت و مردم ایران در قبال امریالیسم جهانیوار و متجاوز آمریکا همین باید باشد.

دومین کنگره حزب کمونیست کوبا، بکار خود پایان داد

کوبا قاطعانه به سوی سوسیالیسم پیش می رود

★ برنامه پنج ساله آینده کویادرجهت ارتقاء سطح زندگی مردم و گسترش پایتذیهای مادی - فنی سوسیالیسم، به تصویب رسید.

★ سیاست خارجی کوبا براساس اصول و تعالیم مارکسیسم - لنینیسم و همکاری با جامعه کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای انقلابی جهان تصویب شد.

دومین کنگره حزب کمونیست کوبا، که از تاریخ ۲۶ اذر ۵۹ در هوانا پایتخت این کشور، با حضور ۱۸۰۰ تن شرکت ۱۴۰ هیئت نمایندگی از کشورهای مختلف تشکیل شده بود، به کار خود پایان داد. در پایان کار، کنگره قطعنامه ای رادر زمینه سیاست خارجی کوبا به تصویب رساند، که در آن سیاست خارجی کشور را برپایه اصول و تعالیم مارکسیسم - لنینیسم، دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و پیوند با جنبشهای سوسیالیستی و پیوند با جنبشهای کمونیستی و کارگری و انقلابی در سراسر جهان مشخص می کند. در قطعنامه هم چنین مسئولیت حفظ تسنح در سطح جهان بعهده امریالیسم جهانی و در رأس آن امریالیسم آمریکا گذاشته شده و سیاستهای جنگ افروزان و برتری طلبانه رهبران پکن، که منجر به آسیب فراوان به جنبش انقلابی جهان گشته است، محکوم گردیده است.

کنگره حزب کمونیست کوبا، که از تاریخ ۲۶ اذر ۵۹ در هوانا پایتخت این کشور، با حضور ۱۸۰۰ تن شرکت ۱۴۰ هیئت نمایندگی از کشورهای مختلف تشکیل شده بود، به کار خود پایان داد. در پایان کار، کنگره قطعنامه ای رادر زمینه سیاست خارجی کوبا به تصویب رساند، که در آن سیاست خارجی کشور را برپایه اصول و تعالیم مارکسیسم - لنینیسم، دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و پیوند با جنبشهای سوسیالیستی و پیوند با جنبشهای کمونیستی و کارگری و انقلابی در سراسر جهان مشخص می کند. در قطعنامه هم چنین مسئولیت حفظ تسنح در سطح جهان بعهده امریالیسم جهانی و در رأس آن امریالیسم آمریکا گذاشته شده و سیاستهای جنگ افروزان و برتری طلبانه رهبران پکن، که منجر به آسیب فراوان به جنبش انقلابی جهان گشته است، محکوم گردیده است.

کنگره حزب کمونیست کوبا، که از تاریخ ۲۶ اذر ۵۹ در هوانا پایتخت این کشور، با حضور ۱۸۰۰ تن شرکت ۱۴۰ هیئت نمایندگی از کشورهای مختلف تشکیل شده بود، به کار خود پایان داد. در پایان کار، کنگره قطعنامه ای رادر زمینه سیاست خارجی کوبا به تصویب رساند، که در آن سیاست خارجی کشور را برپایه اصول و تعالیم مارکسیسم - لنینیسم، دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و پیوند با جنبشهای سوسیالیستی و پیوند با جنبشهای کمونیستی و کارگری و انقلابی در سراسر جهان مشخص می کند. در قطعنامه هم چنین مسئولیت حفظ تسنح در سطح جهان بعهده امریالیسم جهانی و در رأس آن امریالیسم آمریکا گذاشته شده و سیاستهای جنگ افروزان و برتری طلبانه رهبران پکن، که منجر به آسیب فراوان به جنبش انقلابی جهان گشته است، محکوم گردیده است.

کنگره حزب کمونیست کوبا، که از تاریخ ۲۶ اذر ۵۹ در هوانا پایتخت این کشور، با حضور ۱۸۰۰ تن شرکت ۱۴۰ هیئت نمایندگی از کشورهای مختلف تشکیل شده بود، به کار خود پایان داد. در پایان کار، کنگره قطعنامه ای رادر زمینه سیاست خارجی کوبا به تصویب رساند، که در آن سیاست خارجی کشور را برپایه اصول و تعالیم مارکسیسم - لنینیسم، دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و پیوند با جنبشهای سوسیالیستی و پیوند با جنبشهای کمونیستی و کارگری و انقلابی در سراسر جهان مشخص می کند. در قطعنامه هم چنین مسئولیت حفظ تسنح در سطح جهان بعهده امریالیسم جهانی و در رأس آن امریالیسم آمریکا گذاشته شده و سیاستهای جنگ افروزان و برتری طلبانه رهبران پکن، که منجر به آسیب فراوان به جنبش انقلابی جهان گشته است، محکوم گردیده است.

برنامه پنجساله آینده کوبا:

پیشروی منظم بسوی سوسیالیسم

در سند مهمی که در پایان کار کنگره حزب کمونیست کوبا، در زمینه برنامه اجتماعی - اقتصادی پنجساله ۱۹۸۵-۱۹۸۱ کشور به تصویب رسید، رشد همه جانبه و منظم در تمام زمینه ها به سوی ساختمان سوسیالیسم تاکید شده است. در این سند همچنین تاکید میشود که مردم کوبا، تحت رهبری حزب مارکسیست - لنینیستی خود، در اجرای مصوبات کنگره اول، در زمینه های مختلف اقتصادی و اجتماعی به پیروزیهای بزرگی دست یافته اند. نتایج دوره پنج ساله ای که تقریباً به پایان می رسد، بطور کلی مثبت بوده است. در مسیر صنعتی کردن کشور، کام دیگری برداشته شده، که شرایط را برای اجرای دگرگونیهای اجتماعی ضرور درجهت ساختمان سوسیالیسم در کوبا آماده می کند. تابع، راه را برای تحول سوسیالیستی بیشتر اقتصاد کوبا و

سیاست خارجی کوبا بعد از انقلاب بطور قاطع با اصول و تعالیم مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری برپایه دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و پیوند و همبستگی با جنبشهای کمونیستی، کارگری و انقلابی در سراسر جهان استوار بوده است. کوبا به طور فعال و قاطع در کنار جنبشهای آزادیبخش ملی و خلق هائی قرار دارد که برای توسعه و دفاع ازمنافع حیاتی و تاریخی خود می رزمند.

سیاست خارجی حزب کمونیست کوبا براساس اتحاد تاریخی جدائی ناپذیر با اتحاد شوروی استوار است، اتحادی که شالوده آنرا اشتراک ایدئولوژی و هدفها تشکیل میدهد.

حزب کمونیست و کشور انقلابی کوبا، که حزب رهبری آنرا در دست دارد، کماکان به تلاش خود در سمت تحکیم هرچه بیشتر پیوندهای برادرانه با دیگر احزاب، حکومتها و ملت های جامعه سوسیالیستی، ادامه خواهند داد.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی دیروز در يك مصاحبه مطبوعاتی گفت:

انتظار داشتیم آمریکا بعد از شکست رژیم عراق دست به توطئه جدیدی بزند

★ آمریکا با همه قدرتش علیه انقلاب ایران تلاش کرده و بازهم خواهد کرد

حجت الاسلام رفسنجانی پاسخ داد: ما از همان روزهای اول همیشه فرض را بر این گذاشته ایم که امریکایی ها با عوامل زیادی که در منطقه و کشورمان داشته اند، دارند، امکاناتی که دارند، دنبال توطئه هستند و ما آمادگی به هم زدن هر توطئه ای را هم داریم. توطئه جدیدی که شایعه اش هست به گوش ما هم خورده، فکر می کنم نیروهایی که مسئول حفاظت کشور هستند، این آمادگی را داشته باشند.

در باره امکان محاکمه گروگانها حجت الاسلام رفسنجانی گفت: من هنوز جواب رسمی آمریکا را ندیده ام، بهرحال اگر آمریکا حاضر نباشد حقوق ما را بدهد آخر کار ما محاکمه است.

خبرنگار دیگری پرسید: شایعه تصرف سه جزیره از طرف آمریکا و غیرمنطقی خواندن خواست ایران از طرف ماسکی وزیر خارجه آمریکا، (درباره گروگانها) حجت الاسلام رفسنجانی گفت: لبنان را در چه رابطه ای باید بکنیم می بینید و احتمالاً چه پیامدهایی دربر خواهد داشت. حجت الاسلام رفسنجانی پاسخ داد: ما انتظار داشتیم وقتی که امریکایی ها احساس کنند در جنگ عراق که به ایران تحمیل شده، شکست خوردند باید یک توطئه جدیدی بکنند. یک جوسوری هیا هو راه بیاندارند. این هیا هوها از یک گوشه ای طبعاً شروع می شود.

احتمالاً همانهایی که شما اشاره کردید، و قسبه لبنان هم بی رابطه با جنگ ایران و عراق نیست. و اسرائیل از همان روزهای اول یکی از مهربانهای توطئه حمله عراق بود.

خبرنگاری پرسید: شایعه است که ژنرالهای فرانسوی عوامل رژیم گذشته که در انگلستان به سر می برند، در ایران کودتائی خواهند کرد، (البته در رابطه با سه جزیره ایران) جزئیات این طرح و یا نحوه جلوگیری از این طرح را بررسی کرده اید؟

در آورده اند. چیز جدیدی نیست. ریکان یک قدرت جدیدی در امریکا نیست. آمریکا با همه قدرتش تلاش داشته و علیه جمهوری اسلامی فعالیت کرده و بازهم خواهد کرد. ما هم در مقابل توطئه های آمریکا آمادگی مقابله داریم.

گروگانها به ریکان آیاتگیری در وضع آنها پیش خواهد آمد، گفت: در مورد گروگانها خواست های ما همانها بود و هیچ عیب نشینی نمی کنیم، همان را که اعلام کردیم باید بدهند. در مورد تهدید آمریکا هم آنها قبلاً از مرحله لفظ به مرحله عمل

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، بعد از ظهر دیروز در يك مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و به سئوالات خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ گفت. وی در پاسخ سئوال یکی از خبرنگاران مبنی بر اینکه با محول شدن مسئله

شرکت سهامی آب منطقه ای شمال به نام «مردم» پاسخ می دهد

مدیرعامل شرکت سهامی آب منطقه ای شمال، طرنامه شماره ۱۲۸۹۵ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۰ که چند روز پیش بدست ما رسیده، به خبر نامه «مردم» شماره ۳۵۲، مورخ ۵۹/۷/۱۶ پاسخ داده است، که در زیر عیناً درج میگردد:

«خواهشمند است طبق قانون مطبوعات شرح ذیل را در یکی از صفحات آن روزنامه درج نماید. در شماره ۳۵۲ مورخ ۵۹/۷/۱۶ آن روزنامه مطالبی سرپا کذب و تحریک آمیز بعنوان (چرا مزایای کارگران کارگاه کانال و لوله سازی برق شمال را نمی پردازند) درج شده بود که برای روشن شدن اذهان به توضیحات ذیل مبادرت می نمایم.

کارگران کارخانه کانال و لوله سازی وابسته به شرکت سهامی آب منطقه ای شمال مثل کلیه کارگران این شرکت از مقرری و مزایای حق طب و دستورالعمل های ابلاغی تعیین شده است برخوردار هستند و هیچ تفاوتی بین آنها و دیگر کارگران وجود ندارد و ضمناً برخلاف ادعای آن روزنامه مواد ۳۲ و ۳۳ قانون کار و امور اجتماعی در مورد کلیه کارگران موسسات دولتی خصوصی مجری بوده و مقرراتی است که قانونگذار برای تنظیم روابط کارگر و کارفرما تنظیم نموده است و کلیه سازمانهای دولتی از جمله این شرکت میتوانند بنابه نوع کار و تخصص و بازده کاری کارگران و همچنین امکانات و اعتبارات و بودجه خود کارگران را ضمن اخذ تصد مشمول یکی از مواد فوق الذکر بنمایند که نحوه چگونگی این نوع اشتغال را مقررات قانون کار تصریح نموده است و خود اداره کار نیز در موارد لازم ناظر اجرای قانون بوده و بهتر از هر مرجعی منافع کارگر را در قبال کارفرما حفظ میکند. بدیهی است که این شرکت حتی الامکان هر نوع تسهیلات و مزایای رفاهی که قانوناً بتواند در مورد کارگران کارخانه کانال سازی مثل دیگر کارکنان

خود برقرار کرده و خواهد نمود و نیز حق دارد که در صورت عدم نیاز به خدمت کارگر بمدت بیشتر از سه ماه طبق مقررات موجود با اخذ تصد از آنها براساس ماده ۳۲ قانون کار اقدام نماید و دلسوزی ها و اشک تصاح ریختنهای ظاهری آن روزنامه برای کارگران ایرانی باتوجه به سوابق بسیار درخشان و روشن آن روزنامه که کاری جز شماردادن بنحوتی هدفی دیگر ندارد روشن میباشد. لذا مقتضی است از تحریک و تفتین در بین مردم خودداری نموده از کذب و تحریف واقیعات بپرهیزند.

نامه «مردم» آقای حسن فتوره چی، مدیرعامل شرکت سهامی آب منطقه ای شمال، در ارتباط با دفاعی که ما از حقوق قانونی کارگران کارگاه کانال و لوله سازی برق شمال بعمل آورده ایم، با تأخیر فراوان (۵۶ روز پس از دوج مطلب ما) پاسخی فرستاده اند که در بالا خواندید.

چنانکه خوانندگان گرامی مشاهده میکنند، آقای حسن فتوره چی بجای آنکه به توضیح مسئول در پاسخ خواستهای کارگران بپردازد، تا کارگران را قانع کند، جهت حمله خود را متوجه نامه «مردم» کرده اند و حتی از توهین و افترا به ما خودداری ننموده اند.

طبق ماده ۱۵ قانون مطبوعات، پاسخهایی که حاوی توهین و افترا باشد، قابل چاپ و انتشار نیست. با این وجود، ما عین نامه را چاپ می کنیم، تا نشان دهیم که در ارتباط با دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان ایران، ما از هیچ چیز باک نداریم.

و اما «تحریک و تفتین» نسبت داده شده به ما، نه فقط به روزنامه ای که دهها سال است با بیگیری از حقوق زحمتکشان ایران دفاع میکند، نمیچسبید، بلکه بیشتر افشاکر روشهای نادرست و ناپسند در برابر این روزنامه است. آقای فتوره چی می توانستند مطالب خود را بدون توسل به توهین و افترا، که زینتده مقامات مشول سازمانهای دولتی جمهوری اسلامی ایران نیست، بیان دارند، که متأسفانه چنین روشی را در پیش نکرده اند.

ما با چاپ پاسخ ایشان، تضاد و دربار این روشها را به افکار عمومی، بخصوص کارگران و زحمتکشان ایران میکذاریم، که ما سیمانه از حقوق آنها، علیرغم توهین ها، افتراها و حملات خصمانه، هواره دفاع کرده ایم، میکنیم و خواهیم کرد.

هیئت ۷ نفری باید فعال باقی بماند و با قاطعیت کار خود را ادامه دهد

به آن توجه کنند. در روستای ونارچ زمینهای با ۷ نفری می توانند در اسرع وقت قانون اصلاحات ارضی را در مورد آنان به اجرا در آورند. البته با پدید آید تهیه وسایل و ادوات کار و حفر چاه برای روستائیان زحمتکش که این اراضی به آنها تعلق میگیرد و نیز تشویق و ترغیب آنان به کار تعاونی، اراضی مذکور را به زیرکشت برود. این چیزی است که آیت اله دکتر بهشتی نیز بر آن تأکید داشته و در مصاحبه مطبوعاتی گفته است:

هیئت های ۷ نفری با قاطعیت وظیفه خودشان را در اجرای لایحه زمینهای کشاورزی در بند اول و دوم دنبال می کنند و همه دستگاه های دولتی و همه مردم و بخصوص بانک کشاورزی و بانکهای دیگر باید کمک مالی کنند و ادارات کشاورزی کمکهای فنی بکنند و با این هیئت ها همکاری کنند، تا این زمینها بدست کشاورزان عزیز ما آید و همه کشاورزها روی زمینهای که متعلق به خودشان خواهد بود، کشاورزی کنند. موضوع دیگر در ارتباط با قالیباغان روستای ونارچ است، که تعداد آنها به ۱۱۰ خانوار میرسد. این روستائیان زحمتکش نیز باید با تمایل خود در تعاونی متشکل گردند و محیط مساعد کار و زمین کار تامین گردد. اگر این کار درست و بسود زحمتکشان قالیباغان انجام گیرد، مسلماً موجب تقویت صنعت ملی قالی بافی خواهد شد.

روستای ونارچ یکی از روستاهای شهرستان قم است. فاصله این روستا تا مرکز بخش ۷ کیلومتر و تا شهر ۳۱ کیلومتر است. روستای ونارچ ۲۱۲ خانوار با ۱۰۰۰ نفر جمعیت در بر میگیرد. اهالی این روستا به کشاورزی و دامداری و قالی بافی اشتغال دارند. از ۲۱۲ خانوار ساکن در روستا، ۲۰ خانوار کشاورزی و ۴۰ خانوار دامداری و ۱۵۰ خانوار قالی بافی میکنند. ۱۱۰ خانوار نیز در معدن منگنزیت که در این روستاست کار میکنند. در این روستا زمینهای با ۷ نفری وجود دارد.

روستای ونارچ دارای درمانگاه و بهداشتی است. لیکن درآمد بیمه ریه ای حاد و نیز زایمانها، بیماران و زوجهای آنها به قسم منتقل می کنند. فاصله روستا تا نزدیکترین درمانگاه ۸ کیلومتر است. روستای ونارچ دارای مدرسه ابتدایی ۵ کلاس است و ۱۰۰ دانش آموز دارد. لیکن مدرسه راهنمایی ندارد. مشکل روستائیان زحمتکش این روستا کمبود آب است. با توجه به ضعف بنیه مالی این روستائیان و عدم وجود وسائل کار، علی رغم وسعت اراضی قابل کشت، آنان قادر به حفر چاه و زیرکشت بردن این زمینها نیستند.

روستائیان تاکنون بکرات به تعاون روستایی قم مراجعه کرده اند، لیکن به خواست آنان توجه نشده است. برای اجرای دستور امام خمینی و توصیه آیت اله منتظری، حفر چاه - که در این منطقه در عمق کم به آب میرسد - کا ملاصوری است و مسئولان امور باید فوراً

کنج کاران بخش زیدون را یاری کنید!

(مسئولان امر حاضر نیستند کنجی را که کشاورزان بذران را کیلویی ۲۵۰ ریال خریدند، بیش از کیلویی ۵۰ ریال بخرند)، باعث دل سردی و نگرانی دهقانان شده است. به جاست که مسئولین امر، در این مورد به وظیفه انقلابی خود عمل کنند و برای مبارزه با محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا، محصول این دهقانان را به قیمت عادلانه خریداری کنند. بر مسئولین است که همچنین بذر، کود، تراکتور و کمپاین در اختیار این دهقانان قرار دهند و با متشکل کردن آنها در تعاونی های روستایی، زمین ها را مناسب برای رشد اقتصاد کشاورزی این منطقه فراهم آورند.

امپریالیستی، شرکت های خارجی فلور و سکن در این منطقه شروع به فعالیت کردند. بدین ترتیب سرمایه های امپریالیستی بدون این منطقه نیز راه یافت. این امر موجب رکود کشت و کار اهالی و ورشکستگی کشاورزان این مناطق گردید، به طوری که برای مدتی، تا قبل از پیروزی انقلاب، کشت کنجد و برنج در سراسر این منطقه متوقف شده بود. پس از پیروزی انقلاب و فرمان امام خمینی مبنی بر آغاز فعالیت برای رشد همه جانبه اقتصاد کشور، امسال دومین سالی است که اهالی این منطقه اقدام به کشت کنجد کرده اند. اما بی توجهی مسئولین امر و از جمله خریدن محصول به قیمت تمام شده،

فصل برداشت کنجد فرا رسیده است. کشاورزانی که از چهار ماه پیش کنجد کشت کرده اند، اکنون محصولات خود را جمع آوری می کنند. برای آشنایی با مشکلات این کشاورزان، به بخش زیدون از شهرستان بهبهان، که یکی از مناطق کنجکاری کشور است، می رویم. زمین های بخش زیدون، به علت سجاورت با رودخانه برباب زهره، از موقعیت بسیار مناسبی برخوردار است. به همین دلیل این منطقه سالیان سال، کنجد و برنج شهرستان بهبهان و چندین شهر دیگر را تامین می کرد. اما به علت سیاست ضد دهقانی رژیم گذشته و وابستگی این رژیم به کمپانی های بزرگ

آیت الله منتظری: جامعه ما نیازمند یک انقلاب اقتصادی است. تمام نهادها و ضوابط و روابط فاسد سرمایه داری و استثمار را باید از بین برد.

کشاورزان دهستان مهربان

هزار ریال بول نقد و ۱۳ عدد گوسفند به بانک مهربان و بانک مهدیه برای جگر دگان کمک کرده اند. قریه پیر بادام در قریه پیر بادام، که در شمال غربی همدان قرار گرفته است، ۱۲۰ خانوار زندگی می کنند، که ۱۲ تایی آنها خوش نشین و بقیه کشاورز هستند. جمعیت این روستا حدود ۷۰۰ نفر است و فاصله آن با همدان حدود ۱۳۵ کیلومتر است. دهکده جاده ای خراب دارد و درمانگاه و

از مسائل اهالی روستاهای دهستان مهربان هر چه گفته شود، باز هم کم است، زیرا این مردم زحمتکش، که علیه ستم طاغوت به پا خاستند و با آن مبارزه ای جانانه کردند، اینک برای حفظ دستاوردهای انقلاب به کمک نیاز دارند. مانند سایر دهقانان، آنها به تدوین و اجرای قوانین و برنامه های انقلابی در زمینه مسائل ارضی و کشاورزی نیاز دارند و حق است که مسئولین کشاورزی

برای دفاع از میهن انقلابی آماده اند

شرکت تعاونی ندارد. ولی مسئله اساسی در این دهکده، مسئله زمین است. بزرگ مالک این روستا دارای ۱۱۰۰ هکتار زمین است. پس از پیروزی انقلاب و مطرح شدن مسئله گرهی و حاد اصلاحات ارضی، هیئت ۷ نفری به این روستا هم آمد و تاکنون قسمتی از زمینهای مالک مزبور را به دهقانان واگذار کرده است. ولی قسمت زیادی از زمینهای مزروعی روستا هنوز در اختیار مالک قبلی است. به همین جهت زارعین مشکلات زیادی در ارتباط با این مسئله دارند. یکی از آنها می گوید:

"پاییز سال گذشته که دهقانان زمین را کاشته بودند، مالک از دست ما شکایت کرد و ما مورین آمدند و ما را گرفتند. بعد هم حتی نگذاشتند گندم هایی را که کاشته بودیم، برداریم. الان هم گندم ها را برداشته ایم."

یکی دیگر از دهقانان می گوید: "این مالک به ما ظلم زیادی کرده است. او حتی گوسفندهای خود را برای چراندن به زمین های ما می آورد و به این ترتیب خسارات زیادی به ما زد."

بر این اساس، دهقانان قریه پیر بادام خواستار اجرای کامل اصلاحات ارضی در این منطقه و کوتاه کردن دست زمین دار بزرگ منطقه هستند. هیئت هفت نفری، با تکیه به نیروی لایزال دهقانان مستضعف و با بهره گیری از کمک های جهاد سازندگی و سپاه پاسداران می تواند این وظیفه بزرگ را به انجام برساند و از باب مستگیری را، که هزارو صد هکتار زمین را غصب کرد، از زور گویی و بهره کشی بدارد.

در دهستان مهربان بسیاری از دهات از نمرات کار انقلابی هیئت های ۷ نفری برخوردار شده اند. باشد که هر چه زودتر کلیه دهات این منطقه آثار انقلاب را در زندگی خویش ببینند.

نفرستاده اند، تا چه برسد به این که پیرمردها بخواهند سواد یاد بگیرند. کارهای زیادی به صورت نیمه تمام در این روستا باقی مانده است: حمام دوسی این روستا، که ساختمان آن به عهده سازمان تعاون روستایی است، تا حدود ۱۵ درصد ساخته شده و بقیه اش نیمه کاره مانده است. حمای پیش جهاد سازندگی در این روستا مشغول کندن چاه و لوله کشی شد، که آن هم نیمه کاره مانده است. ساختمان راه آسفالته تا ده چالی نیز درست اقدام است و مشغول شن ریزی و بل زدن هستند، که دهقانان امیدوارند نیمه کاره نماند.

در این روستا از درمانگاه و بهداشت خبری نیست. فروشگاه شرکت تعاونی وجود دارد، ولی اهالی از آن راضی نیستند و معتقدند که این شرکت به مصای واقعی تعاونی نیست و به مردم اجحاف می کند. یکی از روستائیان در این مورد می گوید:

"این فروشگاه اجناس را به ما گران تر از حد معمول می فروشد. مثلاً سیگار زر ۴۰ ریال است، ولی به ما ۴۵ ریال می دهند. قند را هم کیلویی ۳۲/۵ ریال می فروشند. اهالی آب مشکین یک چاه نیمه عمیق در روستای خود زده اند، که دارای آب بسیار زیادی است، ولی احتیاج به موتور دارد. قیمت ایس موتور حدود ۲۲۵ هزار تومان تخمین زده شده و اهالی به جهاد سازندگی اطلاع داده اند که می توانند تا یک سوم این بول را بپردازند. بر مسئولین امر است که در تهیه این موتور به زارعین این روستا کمک کنند و صنایع کار لوله کشی ده را نیز به انجام برسانند."

به دنبال جگ تحمیلی رژیم صدام، مردم آب مشکین نیز، مانند سایر مردم کشور، آمادگی خود را برای دفاع از میهن و انقلاب اعلام داشتند. آنها تاکنون حدود ۲۰۰

مملکت با خواست های آنان برخوردی انقلابی داشته باشند. در دنباله مطالبی که در شماره های گذشته نامه "مردم" درباره روستاهای دهستان مهربان نوشتیم، در این شماره به روستاهای دیگر این منطقه سر می زنیم. از قریه آب مشکین شروع می کنیم:

قریه آب مشکین

در قریه آب مشکین، که در ۱۲۰ کیلومتری همدان واقع است، ۲۷۱ خانوار (۱۵۰۰ نفر) زندگی می کنند، که ۶۰ خانوار آن خوش نشین و بقیه کشاورز هستند.

بزرگ مالک قریه آب مشکین شخصی به نام شکرالله بنی صدر بود، که حدود ۱۰۰۰ هکتار زمین داشت. این زمینها در تاریخ ۱۰ آبان ماه سال جاری توسط هیئت ۷ نفری به ۶۰ خوش نشین و ۱۳۵ دهقان کم زمین و بی زمین واگذار شد. به هر یک از اینها حدود ۶ هکتار زمین داده شده است. البته به علت شرایط موجود، نماینده هیئت ۷ نفری به کشاورزان گفته است که فعلاً اسامال زمینها را بکارید، تا سال بعد تعیین تکلیف قطعی از روی مواد قانون صورت گیرد. اگرچه این مسئله باعث نگرانی خاطر کشاورزان شده، و آنها به درستی می دانند که انقلاب مال آنها و با آنهاست و به هر صورت قانون مصوبه اجرا خواهد شد و هیئت های هفت نفری با قاطعیت به فعالیت خود ادامه خواهند داد و همانطور که در اعلامیه ۲۴ آذرماه ۵۹ ستاد زمین گفته شده، تمام حملات خائنه و مملکات و تضییقات، هیئت ها را در حقانیت کارشان ثابت قدم تر خواهد کرد.

در این روستا مدرسه هست، ولی از معلم خبری نیست. یکی از دهقانان می گوید:

"همه باید با سواد شوند، ولی حتی برای مدرسه ابتدایی معلم

گذری به روستای نیریج

مسئولین کشاورزی می خواهند که با الهام از دستاوردهای انقلاب، به این مشکل آنها رسیدگی کنند و ترتیب دادن سند مالکیت به آنها را بدهند. در حال حاضر یک رشته راه به طول ۱۶ کیلومتر از جاده اصلی همدان - قزوین توسط وزارت راه در حال ساختمان است، که قرار است ۵ ساله ساخته شود. این مدت طولانی است، در حالی که احداث سریع جاده برای اهالی روستاهای این منطقه و تولید کشاورزی آنها و فروش محصولات اهمیت حیاتی دارد. در روستای نیریج، اخیراً شورای ده تشکیل شده است، که از جمله به کارهای توزیع نفت رسیدگی می کند، لیکن بر اساس شواهد موجود و به علت عدم مشارکت فعالانه اهالی این روستا، این شورا ارگان صد درصد انتخابی مردم نیست. دهقانان خواستار فعالیت صحیح و بنیادی شورا هستند و می طلبند که انتخاب شورا صد درصد توسط خود اهالی ده صورت گیرد. باید اضافه کرد که تا خود روستائیان مشارکت فعالانه نداشته باشند و در کارهای تولیدی و عمرانی و بهسازی ده به شورا کمک نکنند، تا وظایف خود را انجام دهد، این نهاد نخواهد توانست نقش انقلابی بسیار مهم خویش را در زمینه های مختلف به انجام رساند. خود دهقانان باید شورا را به یک ارگان موثر، که هم دارای وظایف و اختیارات و امکانات دولتی است و هم منتخب و جوشیده از مردم و بیانگر منافع واراده آنهاست، بدل کنند. نهادهای انقلابی، چون جهاد سازندگی و سپاه پاسداران، می توانند برای تقویت و مردمی کردن شورای ده به یاری دهقانان بشتابند.

روستای نیریج از توابع بخش آوج خرقان غربی، که در ۱۳۵ کیلومتری جاده همدان - قزوین واقع است، با کمبود آب و امکانات بهداشتی روبه روست. بیشتر اهالی این روستا، که قادر به کار کردن هستند، حدود ۵ ماه از سال را در روستا به کار کشاورزی اشتغال دارند و بقیه مدت را در تهران به سر می برند. محصول عمده کشاورزی این منطقه گندم است که، به علت کمبود امکانات، میزان آن قابل توجه نیست. با اینکه زمین های مستعد کشاورزی در این منطقه نسبتاً زیاد است، ولی به علت ناکافی بودن آب، بیشتر زمینها بایر مانده است. میزان کم آبی به حدی است که حتی مقدار محدود سبب زمینی ای که کشاورزان برای مصرف شخصی می کارند، نیز خشک می شود، حل این مسئله به تولید بیشتر و مشارکت فعال دهقانان در جهاد کشاورزی، که وظیفه اصلی دهقانان است، کمک جدی خواهد کرد و پشت حبه را تقویت خواهد کرد. این روستا، که ۴۰ خانوار در آن زندگی می کنند، دارای بهداشتی، یک دبستان و یک مدرسه راهنمایی، آب لوله کشی و شعبه نفت سفید است. اخیراً جهاد سازندگی اقدام به ساختن یک دبیرستان نیز در این روستا کرده است. اما روستا فاقد حمام بهداشتی است. دهقانان ده دارای سابق مبارزاتی علیه بزرگ مالکان هستند و در زمان طاغوت، که می بایست سالیانه ۳۶۰ ریال قسط بپردازند، علی رغم فشار مالک و حمله زاندارم ها، از پرداخت قسط امتناع کردند و تسلیم برنامه شاه معدوم نشدند. اما اعدای از این رعیت های سابق به علت اعمال نفوذ مالکین در دوران قبل از انقلاب، سند مالکیت ندارند، روستائیان نیریج از

نورالدین کیانوری

«ولوزی»

حیثیتها

دادند. آنان با اتحاد یک یونگه ظاهر ن که در واقع از "مارکسیسم آمریکائی" سر- ن راستی اسلامی و هواداران راستین

ولوزی" در این دو جهت هر روز شدت بیشتری نظام ها و بزهها و مقدم مراغهای و دهها نظام نوین انقلابی جای گرفتند و پیاده بیرقیافه وزیر نقاب "اسلامی" دواآتشه در ای انقلابی اسلامی جاز شدند. وظیفه عمده اسحجام و اتحاد نیروهای راستین هوادار مت را در دست گرفتند بخش مهمی از دستگاه هوای، ادارات دولتی و نیروهای انتظامی ن گساحی و بی پروائی گذشته ار همه کوسه ر بود. شریات مشهور وابسته به ساواک مداد" و دهها نشریه، دیگر دوران طاغوت

فعالیت عناصر خرابکار تا آنجا که ماسک- آماج اساسی در مقابل آنها قرار داشته است؛ خصمی و تضعیف رهبری امام خمینی و تاثیر جهانی از روبری صریح کوبیده" انقلاب و ریالیسم و ارتجاع جهانی و دشمنی سا- وویزه جلوگیری از توسعه" مسابسات اسلامی که در خط اول جبهه" علیه

مسان نیروهای انقلابی مسلمان هوادار خط که بر پایه" ساخت درست علمی خود سه بی برده و با نعام نیرو در راه پشتیبانی ار باغ و سازسکاران در اس میدان حزب توده"

" بربرسیکی به وزیر خارجه آمریکا بعنوان

القاء ایده ولوزی" به طور داسمدار به کار گوینم "مارکسیسم آمریکائی" بود. "گروهک- حاد خنده بوسله امیرالیسم جهانی "ها در مقام حساس دولتی و در "اسلامی" خود را در اطراف دولتمردان دادند و به این ترتیب مجموع خطرناک م امریکائی بوجود آمد که در دو جهت دههای انقلابی را در خط بی اثر امام خمینی کم جرحه و ناآگاهی را که به سویالیسم رد.

از انقلاب "القاء ایده ولوزی" از همان انقلاب داخلی که نیروهای سازسکارو همان وسایل همگی، یعنی "اسلام- مائوئیسم با ترکیبات تازه و ساره برای مد ایران از سمدگیری اساسی آن کسدر امیرالیسم جهانی به سرکردگی امریکا سروهای صد صهیونیستی در منطقه، جبهه جهانی ضد امیرالیسمی به ویژه ، نیروهای راستین انقلابی ایران در جبهه

ر صحنه جهانی و درون ایران مسان "مارکسیسم آمریکائی" صحنه کم، نظم و صدام حسن ها و در داخل ایران مع می کشد و حی رادوهای اوسوی و ای گیری که گویا اسلام انقلابی ایران در راه "سارش" مارکسیسم جهانی دارا اش ار اعلام روگردان شده است. ن اس علی وارد می ساحت. ن با آمریکا ساحه و اساسا ساخته و

"م امریکائی و هم "مارکسیسم امریکائی مهم می کشد که به مارکسیسم واقعی ، هواداران سویالیسم علمی توصیه ئیسی و سمانوئلسکی بسودند، ربر،

بررسی دگر بردی و "اعلام اسلامی" بررسی کیم می کشد که در آسپا ک با حط امام خمینی در سر سودد ر اس حط و سمدگیری صدمالیسمی و در راه "ارنداد" و "قرصطلبی" و ساند.

داس واقعی اند که "اسلام آمریکائی مستتری های عمده" القاء ایده ولوزی"

عقای افکی داخل ایران را نا سکی ار بگا و انگلس و دار و دسه حصار و

وصاع ایران حسنی تبعه است: و سز یک اردها و کوی اسبک در سکه صاع در استعمار کس در ارامس- برهای صدهوسار... به چشم ددم که به سادگی بی توان ار بوده های همکاری سیاسی و رولیسکی دروا سحمار

سرخ و سیاه را سرخشمه وحدت کلمه و وحدت عمل آخوندیسم و توده ایسم نامید. مفاهیم مشترک در سخنرانی های آیت الله نورالدین کیانوری و رفیق سید محمد حسین بهشتی از همین همکاری سیاسی و رولیسکیکی دو ارتجاع سرخ و سیاه سرخشمه می گرد.

طرح مسئله «القاء ایده ولوزی» از طرف فرانس جمهور و روزنامه «انقلاب اسلامی»

اصطلاح "القاء ایده ولوزی" در هفته های اخیر از طرف آقای بنی صدر در جدل های سیاسی ایران مطرح گردید و محتوی آن را دقیقاً از مندرجات "کارنامه" ایشان نقل می کنیم (رجوع شود به شماره های مربوطه روزنامه "انقلاب اسلامی" و "رنجبر") باید گفت که آمریکا سخت به کار القاء ایده ولوزی متغول و در این کار پیش رفته است. قدرت مقابل او هم به سیره خاص خود برای القاء ایده ولوزی عمل می کند... روشی که اینها (۱) برای القاء ایده ولوزی دارند به این ترتیب است که عناصری از آنهارنگ آن ایده ولوزی (۲) که مال خودشان نیست و به اصطلاح غالب است را به خودشان می دهند و می روند توی آن خط- بعد یک هماهنگی بین اینها که ایده ولوزی مارکسیستی مطابق میل ابر قدرت روس را تبلیغ می کنند (۳) با آنها که رنگ ایده ولوزی غالب بر جامعه را پذیرفته اند (۴) به وجود می آورند. اینها که ایده ولوزی مارکسیستی متناسب با ابر قدرت روس را دارند تبلیغ مرام خودشان را می کنند. یا به پای اینها (۵) آنها که در رنگ و لباس دیگر (۶) متغولند هم با استفاده از اصطلاحات آن ایده ولوزی (۷) خود مفهوم و مسائل را به اصطلاح خود خرد خرد می اندازند و همین رفتارها را خرد خرد جا می اندازند طوری که به تدریج که حلو می روی می بینی اسم کلمات و عبارات یک چیزهایی هستند، مثلاً فرض کنیم ظاهرشان اسلامی است اما محتوی همان محتوی است که آن دسته دارای ایده ولوزی طرفدار قدرت روس دارد. حال اگر محال بدست آوردند مثل همان "سایه اعلام مواضع" (۸) بیانه هم صادر می کنند و به اصطلاح اعلام مواضع می کنند، پوست و رنگ می اندازند و می گویند، همانیم که بودیم. یا اگر ببینند اوضاع مناسب شد می گویند، تحول ایده ولوزی یک پیدا کردیم. آقای بنی صدر با طرح مسئله "القاء ایده ولوزی" بحث بسیار مهمی در جدل های سیاسی وارد ساختند. ولی در تحلیل مشخص اینطور چهار نکته حالب توجه به چشم می خورد:

"باید گفت که آمریکا سخت به کار القاء ایده ولوزی متغول و در این کار پیش رفته است." همه علاقمندان به جنبش انقلابی ایران که متحدا به این نظرند که آمریکا دشمن شماره یک مهبی کشور ما بوده و هزاران مامور و کارگزار و خدمتگزار و جاده صاف کن در طبقات غارتگر و ساواکیها و سایر طاغوتیان، در میان روشنفکران دارد، آمریکائی که هزاران هزار از روشنفکران مادر در دستگاه های "القاء ایده ولوزی" دانشگاه های آید پیدا اند، آمریکائی که گفته خود آقای بنی صدر تجاوز دار دوسته صدام را علیه مهبی ما براه انداخته و از آن پشتیبانی می کند، آمریکائی که خود آقای بنی صدر حوب می داند که هم اکنون در بلوچستان و فارس و کردستان و آذربایجان عربی در صدد تدارک شورش های تازه علیه جمهوری اسلامی است، چگونه و با چه شیوه و با چه ابزارهایی، با چه گروه هایی و چه شخصیت هایی نقشه "القاء ایده ولوزی" خود را "سخت" دنبال می کند؟ این علاقمندان هور هم برای روشن شدن جسم براه توضحات آقای بنی صدر و همکاران متخصص ایشان در رسه "القاء ایده ولوزی" هستند. ولی آیا باید همین طور چشم براه باقی بماند؟ به نظر ما طرح مسئله "القاء ایده ولوزی" درست به منظور و با هدف "القاء ایده ولوزی" انجام گرفته است و بالا اقل طرح این مسئله سازه این است که چگونه آقای بنی صدر با علم به خطر "القاء ایده ولوزی" خود در دام این "القاء ایده ولوزی" افتاده اند.

نکته دومی که توجه را جلب می کند این است که آقای بنی صدر که خود را از مدافعین سر- سخت اطلاق اسلامی و منزلت انسانی معرفی می کند، چگونه خود اجازه می دهند حتی بدون ارائه یک نمونه منحصر به فرد چنین اتهام ناروایی را به دو حریان سیاسی وارد سازد. ایشان به هر یک نوده ایران افترا می برند که کسانی از میان خود مامور کرده تا با کداس ماسک اسلامی در داخل روحانیت مبارز رخه کشد و از احزاب و روششن اصطلاحات اسلامی نظریات مارکسیستی را، آن هم به نظریات مارکسیستی، بلکه نظریات مورد نظر ابر قدرت روس را تبلیغ کند و بعد اعلام مواضع کند و مانند خائنین مائوئیست از پشت خنجر به دوستان بزند. ایشان از سوی دیگر افرادی را روحانیت مبارز و مبارزان جوان پیرو خط امام را متهم می کنند که دروغ و مورود و دروغ های هائی هستند که رنگ اسلام به خود گرفته اند.

ایشان چگونه این انتراها را با "اخلاق اسلامی و انسانی" سازگار می دانند؟ بگذریم از سماع دیگر افتراها و نهمت هایی که از زرادخانه سیا و موساد و ساواک به عاریت گرفته می شود و هر روز در روزنامه" ایشان به حرج توده ایران برتاب می شود.

اما نکته سوم سها موجب شگفتی است. چطور می شود که آقای بنی صدر که به این روشنی ساریوی نحلی خود را در رمیسه" القاء ایده ولوزی" تنظیم کرده اند و با آن نگاه زیرین اعماق فلوب توده های های سخت (۱) و بخش (۲) را دیده اند فرصت نکرده اند که نگاه ساده ای به اطرافیان طراز اول خود بیاندازند تا در چهره های تابناک بسیاری از آنان مائوئیست های سانبور سافه "تازه مسلمان شده" و لیبرال های ناب تر و پراسامه تر را ببیند که تنها در دسان این است که چرا سمدگیری اصل انقلابی جرئت می کند که "آی روی دم پلنگ حوب خوار امریکا بگذارد" یعنی کسانی را ببیند که تنها در راه "القاء ایده ولوزی" در دو جهت عمده "التقاط" اسلام "امریکائی" و "مارکسیسم" امریکائی گام برمی دارند و کین تو زانه با اسلام امام خمینی و مارکسیسم راستین دشمنی می ورزند.

چهارمین نکته این برستی است که آیا آقای بنی صدر بین این ارزیابی خود و ارزیابی های سابه ار سوی محافل ساخته شده" دشمن انقلاب ایران، مانند رادوهای بخنجا روابوسی ساهتی سی بیند؟ و چگونه است که از مواضع سکل گوناگون، یعنی از مواضع آشکارا ضد انقلابی بخنجا ر و اوسوی و از مواضع آقای بنی صدر که مسلماً مخالف تجدید سلطه امیرالیسم آمریکا بر مهبی ما هستند، "ارزیابی های" سابهی ارائه می شود؟ بخصوص که این "ارزیابی ها" بر پایه فاکت ها و واقعیت های موجود انجام می گیرد، بلکه "ارزیابی های" اسراعی و ادعایی در جهت "اسات" مواضع گیری های معین هستند. آیا در این پدیده سیاسی از "القاء ایده ولوزی" وجود ندارد؟ رادیو صدای بخسار روز ۵۹/۹/۲۲ در گفتاری جسین اظهار عقیده کرده است:

"محمد موسوی خوئینی ها، آخوند توده های و معاون مجلس به اصطلاح اسلامی به سفیر کوبا در ایران گفته است که آرزو دارد سعادت جمهوری اسلامی هر هرودتر در ها و او با پایتخت کوبا دائر شود. سن پیمان حمل کالا از طریق روسیه سوروی و اکنون رزمه" بر سراری روابط نزدیکتر سیاسی با کوبا" محافل سیاسی جهانی را منوجه این نکته کرده است که آخوندها بسیار به گویش ها نزدیک شده اند. آنچه که شگفتی این محافل را برانگیزد این است که چگونه آخوندهایی که خود را مدهیبون بیروپاقرص معرفی می کنند، با کشورهای کموسیتی...

به اس حملات توجه کشد: "آخوند موسوی خوئینی ها از سال ها پیش با حرب نسوده تماس سردبک داشته و در اجزای حمله به سفارت امریکا در تهران یکی از گردانندگان صحنه بوده است. او مدتی به عنوان عضو سورای خیررسی به رادیسو و بلویریون رفت و عناصر به گفته" خودن لیبرال را مورد تضعیف قرار داد و

- ۱- به نظر ما معصود آقای بنی صدر حرب توده ایران است.
- ۲- به نظر ما معصود آقای بنی صدر، ایده ولوزی اسلامی خط امام خمینی است.
- ۳- منظور حرب توده ایران است.
- ۴- معنی بوده ای های که لسان اسلامی پوسیده اند و رنگ اسلامی به خود رده اند، متغول اسطور فکر کرد که احتمالاً سطر آقای بنی صدر از این گروه دوم افراد مویر از رهبری حریان اسلامی حاکم که در حربه مخالف اسان فرار دارند می باشد.
- ۵ و ۶- باید ۳ و ۴ -
- ۷- به نظر ما معصود آقای بنی صدر ایده ولوزی اسلامی است.
- ۸- به نظر ما معصود آقای بنی صدر اعلام مواضع گروه مائوئیسیتی است که در سازمان اسلامی معاهدنی خلقی رخه کرد و آن را ملاحی ساخت و بین از انقلاب به نام گروه "سکار در راه آزادی طبعه کارگر" در همان مواضع، مائوئیسیتی و شه مائوئیسیتی به معالبت خود ادا مده داد.

توده های های حزب اللهی نا بر سر کارهای حساس گذاشت.

این موضع گیری مودبانه رادیو بخسار تا کمال ساف در تمام تحلیل های پیاده کنندگان خط برزیسکی و لیبرال های جاده صاف کن سازش و تسلیم به امریکا با دفت و نهاهت سگم انگیری دیده می شود. هدف همه" اینها همان القاء ایده ولوزی" به اقتضای کم آگاه مبارزان مسلمان است در اس جهت که هر گونه ابتدائی در برابر امیرالیسم آمریکا، هر اقدام و تصمیم در جهت مطرود کردن غارت طبقات حاکمه دوران طاغوت یعنی بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران یک اقدام خلاف دس است. از گفتارهای رادیو اوسوی و بخسار که در موضع گیری لیبرال های جودمانی عسبنا سکار می شود کاملاً روشن است که دعوا سر لحاف ملانصرالدین است و الا القاء ایده ولوزی" از طرف حزب بوده بر روی روحانیت مبارز، "خطر حزب توده"، "خطر کموسیم" همه این ها مافیه است. دعوا سر این است که چرا دانشجویان مسلمان پیرو خط امام حاسوس خانه را انفعال کردند و با افشای خط امریکائی، دولت کام به گام را که تازه دست در دست برزیسکی توطئه کرد و حلال خون آشام گذاشته بود، سرنگون کردند. دعوا سر این است که چرا دولت انقلابی ایران علیرغم همه" خرابکاری های امیرانتظام ها و دوستان و سدافعال لیبرالین بالاخره با دولت انقلابی کوبا روابط عادی سیاسی برقرار کرد. دعوا سر این است که چرا انقلاب اسلامی ایران بالاخره علی رغم همه" خرابکاری های هواداران خط آمریکا ساساتس را با کشورهای مسلمان که در خط اول نبرد علیه صهیونیسم یعنی مهم ترین سگار امیرالیسم امریکا در منطقه خاورمیانه قرار دارند، دوستانه کرد و راه تحکیم این مسابسات کام برمی دارد و چرا با باکتسان و عربستان سعودی و اروپای غربی و ژاپن و چین و بالاخره آمریکا مسابسات "برادرانه" برقرار نمی کند.

دعوا سر این است که چرا هواداران خط امام حسی عده ای از عناصر مورد "علاقه" بخنجا ر و اوسوی را که با کک و دستاری لیبرال های مسهور سبت ماه بس ار انقلاب در رادسو و تلویزیون نکه داشته شده بودند، بیرون ریختند. دعوا سر این است که چرا دولت جمهوری اسلامی و هواداران خط امام برای شکست حلقه محاصره اقتصادی امیرالیسم امریکا که هر روز سکت می شود و با حرکاتی که در حریان است ممکن است باز هم تنگتر شود، از راه ستن قرارداد براسرت با کوری که پسبان انقلاب ایران است اقدام می کند.

دعوا سر این است که چرا روحانیت پیرو خط امام می خواهد به سکی ار سکن برین آسار نظام طاغوتی سلطنتی و عارتگرانه سرمایه داری وابسته یعنی بزرگ مالکی پایان سحسدو میلیون ها خانواده دهقان بی زمین و کم زمین را مالک رمنی کند که روی آن جان می کشند و کسار می کشند و با همه" مردم کام ساسات کام برمی دارد و چرا با باکتسان و عربستان سعودی و اروپای غربی و ژاپن و چین و بالاخره آمریکا مسابسات "برادرانه" برقرار نمی کند.

درست معلوم است که چرا رادیوهای بخسار و اوسوی اس حسی به روره افتاده اند و می گویند به مردم ناآگاه ابطور "القاء" کشد که کوبا اس اقدامات همه" کموسیتی اس و حتی اگر دولت برای مبارزه با محتکران حیره مدی را به حریان سبارد آن هم "کموسیتی" است و با قوانین اسلام (السنه مقصودات آن "اسلام امریکائی" است) تضاد ستنی باید بر دارد.

"جزم" حزب توده ایران این است که چرا مانند حسگران سلا به بیماری های کودکی در مبارزه سیاسی علیه این اقدامات موضع خصمانه نگرسه است. حرم حرب توده ایران که سها در جهت نامس حواسها و حقوق حقه" بوده های دهها میلیون سرحسکان عمل می کند اس است که این اقدامات سروهای پیرو خط امام را در جهت نامس حواسها و حقوق حواسها در جهت نامس استقلال ملی داشته و با تمام سیرو آن سبسیاسی کرده و می کشد.

السنه برای حرب بوده ایران افتخاری بالاتر از این سست که دشمنان انقلاب ایران هرکاهی را که در جهت نسبت و حکم و گسترش انقلاب ایران، در جهت پایان بخنجا ر به تسلط حرامه، عارتگرانه و حجاببار امیرالیسم جهانی و پیش ار همه امیرالیسم آمریکا، در جهت دفاع از منافع حرومان جامعه، در جهت محدود کردن غارت بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران وابسته برداشته شود محمول "معالبت" و "القائات" ما بداندند. اس سندا افتخار ما است.

ولی واقعیت این است که هدف ضد انقلاب و سازسکاران و جاده صاف کن ها هرگز اس سست که با این "القائات" خود به اعتبار حزب توده ایران سفزاید. برعکس نقشه "القاء ایده ولوزی" آنها که برای توده های ناآگاه و کم آگاه تنظیم شده هدف کاملاً دیگری دارد. اسها برای سبدن به اس هدف نامعینی در چهارپرده اجرا می کشد.

برده نخست اس که از سویالیسم صبور و حشنانکی عرصه دارد و این طور تبلیغ کنند که در کشورهای سویالیستی بدبختی صمدحسدان سبسر از آن بدبختی های اس که مردم ایران هر روز با گوست و بیست خود احساس می کنند. ار آن حمله ملا در اتحاد سوروی با ۴۶۰ میلیون جمعیت، سالبانه به طور متوسط سبب از ۲۵۰ میلیون تن غله تولید می کند، کوبا مردم هوسوردر کرسیکی سبسر می برند. در عین حال مسافرت به کشورهای سویالیستی را ممنوع می سازد تا کسی به آنجا مسافرت نکند و واقعها را از نزدیک خود به حتم نسبند.

در برده دوم این سویالیسم وحسناک را متجاوز معرفی می کشد و داگما القاء می کشد که سوروی می خواهد ایران را تصرف کند و هست و نیست مردم را غارت شد یعنی آنچه را که مردم ما طی سی سال گذشته به حتم خود ار حساب امیرالیسم آمریکا دیده اند، به حساب سویالیسم جهانی بگذارد. در اس قسم از معاین، دستگاه القاء ایده ولوزی تا آنجا پیش رفته است که حتی خلق های سهرمان ویتنام و کوبا را که حاسمه آفرین تاریخ معاصر ما در مدان سرد با امیرالیسم جابنکار آمریکا هستند، به صورت خلق های متجاوز معرفی می کشد. دهها و دهها گفتار در این زمینه ر رادیو و تلویزیون ایران موئید این واقعیت است.

برده سوم حاکی از این است که گویا این" سویالیسم وحشناک متجاوز" در ایران سیاست خود را به دست هواداران "مارکسیسم روسی" پیاده می کند و این "مارکسیسم های روسی" هم همگی در حزب توده ایران گرد آمده اند.

اگر هم تا کنون به سیاست و عمل حزب توده ایران نتوان ابرادی تربت اس از برزیسکی و انقلابی آن است که روی پوشش مبارزه با امیرالیسم و ضد انقلاب و سبسیانی از خط امام می خواهد آمریکا و اروپای غربی و ژاپن را از ایران بیرون کشد تا جاده برای استفرار" سلطه ابر قدرت روس" هموار گردد.

برده چهارم، هرکس در ایران حرفی ببرد که مخالف خط امریکا اسد، هر سهادی که ادعا می کشد که مخالف خط امریکا اسد، حتماً یا توده های اسد یا روح بوده ای در او حلول کرده است و لذا باید از او دوری کرد، او را نفرین کرد، او را مکار و دورو و یا "آخوند توده ای" نامید.

خلاصه باید راه را "خرد خرد" برای پذیرش اسارت امیرالیسمی و طاغوتی در سکل لیبرال مایه آن هموار ساخت تا سنوان از "خطر کموسیم" و "خطر حرب بوده" جلوگیری کرد. واس در واقع همان راه "گام به گام" پیاده کردن استراتژی سیاسی امیرالیسم جهانی است که هدف اساسی اس جدا کردن جنبش های، رهایی بخش صد امیرالیستی خلق های محروم از خمد در سحن جبهه نیروهای ضد امیرالیستی، یعنی کشورهای سویالیستی است.

روند گسترش یابنده انقلاب ایران و توطئه «القاء ایده ولوزی»

انقلاب ایران یک واقعیت تاریخی است - در این واقعیت تاریخی یک واقعیت سارحی دیگر هم وجود دارد که این انقلاب را کوخ نسبتان" نامین سهری - محرومان سهروروسا، بوده - های دهها میلیون با از جان گذسکی حفا سهای به سهروری رساندند و هدف آنها ار اس سرد این بود که محرومیت های جان فرسایشان پایان بذرند و به حای نظام عارتگر و حجاببار و مانند طاغوتی، نظام عدل و داد انسانی برقرار گردد. در یک کلام اس سوده های دهها میلیون محرومان حواستر رسته کن ساختن سلطه حایرانه" امیرالیسم جهانی به سرکردگی امیرالیسم آمریکا، تا مین کامل استقلال سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی کسور، نامس آزادی و حاسن ساحن نظام عدل اسلام واقعی به حای نظام طاغوتی و اسلام آمریکائی بودند. خط امام خمیسیتی و سهرقان آن بازتاب همین حواسها بود. این خط با حواس های سرمایه داران و بزرگ مالکان انطباق نداشت و سکی تو است داشته اسد. به همین سبب از همان آغاز بین اس خط و مخالفان سهرورینه های گوناگون کردگی احتعامی کشسکن آغاز گردید و این کشسکن هرا دانه که رویداد انقلاب در جهت آماج های اساسین کسرس می یابد، سد سسیری سدا می کشد.

امیرالیسم و ضد انقلاب و گسه" اقتضای اجتماعی وابسته به سرمایه داران و ملاکان می کشد تا از یکسو با انواع گوناگون اعمال فهر ضد انقلابی و اوسوی دسترا" القاء ایده ولوزی" سدا انطباقی و بایلیبرالی توده های محرومان را سحت دحار گجی کرده و کم کم و کام به تام ار سمد سربهای واقعی انقلاب منحرف مایند. در حریان این مبارزه، مانند همه در تاریخ، حریان القاء ایده ولوزی در یک سبب انجام می گیرد: ار سمد طبقات و اقتضای متضار جامعه به سمت طبقات و اسار محروم. ار طبقات سلسله کسار سفیه در صفحه ۶

کارگران حسیرباف حرو محروم ترین رجمکسان اند تعداد آنها در سهر رووچرد به ده ها نفر بالغ می شود. این رجمکسان در نقاط مختلف این شهر و بطور پراکنده کار می کنند. کار حسیربافی از پیرزحمت ترین و در عین حال کم درآمدترین حرفه ها است. این کارگران به علت سزاگندگی، هیچ گونه تسهیلات صنفی ندارند. اغلب حسیربافان در محیط های بدون

سربوس کار می کنند و به همین علت در مواقعی از سال، که با زندگی وجود دارد نمی توانند کار کنند. در نتیجه کار آنها از واسطه سهار شروع می شود و تا با تیز ادامه دارد. در نتیجه آنها اجارا چند ماهی از سال را بیکار رند. کارگران حسیرباف بدلیل اینکه در هنگام کار باید حسیرباف را در حالت صفاک نگهدارند، اغلب به بیماری روماتیسم مبتلای می شوند و چون با دست کار می کنند

معمولا دستهایشان پینه بسته، متورم و برارزخاسته آنها بصورت روز مزد کار می کنند و به ازای هر متر حسیرباف دو تومان دریافت می کنند. که با احتساب ده ساعت کار دارای درآمدی حدود شصت تومان در روز هستند. برای اطلاع از وضع زندگی و کار کارگران حسیرباف با چند تن از آنها به گفتگو نشستیم: منهدی سیف الله که هفتاد سال دارد و فامت نصف و خمیده اس را سه

سحی بر روی حسیرباف می کشد، گفت: "از هفت سالگی تاکنون به این کار مشغول بوده ام. روزانه درآمدی بین ۳ تا ۶ تومان دارم. که با این گرانی سرسام آور نمی دانم چه کنم. من و پسرم با هم زندگی میکنیم و هر کدام یک مبلغ سیصد تومان، برای ما واقعاً

کارگران حسیربافی بروجرد: زن و مرد، پیر و جوان باید آموزش نظامی ببینند

دشوار است " حسیرباف دیگری گفت: "در قانون اساسی چیزهای خوبی وجود دارد، ولی تا بحال پیاپی نشده اند. " او درباره "مسئله کار را اظهار داشت که: "خانه ام را به خاطر عریض کردن خیابان حسیرباف کرده اند و شهرداری از بابت خانه مبلغ چهل هزار تومان بمن برادخته است، ولی با این گرانی مسکن، با این پول جزئی تا بحال

نمی توانستیم خانه بخرم " سپس نظرا و رادر مورد جنگ تحمیلی حویا سدیم گفت: "انتظار ما از دولت انقلاب این است که به وضع مستضعفین رسیدگی کند و دست سرمایه داران را کوتاه کند. دولت باید محترکین را مجازات کند و برای مبارزه با گرانی و بیگاری چاره ای بیاندیشد." او در پایان اضافه کرد که: "اکنون که ما

درگیر جنگ با متجاوزین بعسی هستیم، باید همه در بسیج شرکت کنیم. زن و مرد پیر و جوان باید آموزش نظامی ببینند. این انقلاب مانند نهالی است که هنوز ریشه اش محکم نشده است. با هر باد و طوفانی به این سو و آن سو خم میشود. حداقل کاری که ما می توانیم بکنیم این است که، باغبان خوبی باشیم "

«القاء ایدئولوژی»...

بقیه از صفحه ۵

و سخنگویان سازمان ها و گروه های وابسته به طبقات و اقشار ممتاز و متاثر به طرف طبقات واقشار میلیونی محروم و محروم تر.

زرف تر شدن روند انقلاب در درجه نخست و به طور تعیین کننده تابع شرایط و عوامل عینی جامعه کنونی ایران است و روشنگری نیروهای آگاه و پیشرو هوادار محرومان تنها می تواند آنچنان ترنماید یعنی توده های محروم را در جهت آماج های به حق شان تشویق و تجهیز کند. در مقابل انقلاب ایران چه خواهیم و چه نخواهیم دو دورنا وجود دارد و هر چه غیر از این دو دورنا ادعا شود جز خیالبافی ویا "القاء ایدئولوژی" نیست. دورنمای اول پیسرفت انقلاب ایران در ادامه همان سمت گیری است که تاکنون داشته است. یعنی در جهت هر چه بیشتر ریسک کردن راه های تسلط امپریالیسم و بستن راه های تجدید آسکار و بنیانی بازگس این تسلط و هم چنین در جهت تامین بازهم بیشتر حقوق حقه محرومان و کوخ نسیان و مستضعفان از یگانه راه محدود کردن هر چه بیشتر و مسدود کردن راه های غارت حیالو گران بزرگ مالک و کسلاان سرمایه دار. دورنمای دوم این است که این سمت گیری با شکست روبرو شود، "القاء کنندگان" ویا کودتاچیان موفق شوند مسیر تکاملی را که جامعه ما در چند سال اخیر در پیش گرفته به عقب برگردانند و بالاخره نظام اسلام، امریکائی ساداتی و ضیاالحق ویا نظام "ملی امریکائی" بختیاری ساویسی با همکاری امریکائی را جانشین روند کنونی سازند. تجربه دو سال گذشته نشان داده است که امپریالیسم و ضدانقلاب تاکنون از توطئه های کودتائی طرفی نبسته اند و به همین علت سمت گیری اساسی مبارزه با این دشمنان انقلاب ایران به مراتب مرحله ای که بلافاصله در پیش داریم عبارت خواهد بود از تلفیق از حداکثر ایجاد تشنج در درون کشور با پشتیبانی از خارج و "القاء ایدئولوژی" ضد انقلابی و لیبرالی. هدف از ایجاد تشنج جلوگیری ویا دست کم دشوار کردن تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب است زیرا مسلم است که با هر گامی که در جهت تثبیت انقلاب برداشته شود، امکانات نیروهای ضد انقلابی و نیروهای لیبرال محدودتر می گردد. "القاء ایدئولوژی" ضد انقلابی و لیبرالی هم در سمت ایجاد تشنج کسترش خواهد یافت و هدفش این است که از آب گل آلود شده به وسیله تشنجات ماهی بگیرد و مردم را برای پذیرفتن یک "دست فوی" که بتواند مبین را از هرج و مرج نجات دهد، آماده سازد و شرایط برای استقرار "نظم آهنین" سه آریامهری فراهم شود.

با کمال تأسف باید پذیرفت که علیرغم این که انقلاب تاکنون ضربه های دردناکی به این هردو سرگرد و ترغند نیروهای امپریالیستی و ضد انقلابی وارد ساخته و گرچه با کندی نام های مهمی در جهت زرف تر شدن برداشته است، معذالک دشمنان انقلاب هم بویزه با بهره گیری از سیه "القاء ایدئولوژی" در درون صف متحد نیروهای راستین انقلاب تشنجات و چند دستگی و سوء تفاهات را سدت بخشد. بازهم با کمال تأسف باید پذیرفت که برخی اقدامات بی رویه، نادرست و زیاده روی هائی که از طرف همه نهاد های سیاسی و اجرائی حاکمیت جمهوری اسلامی صورت گرفته و تجاوزاتی که به حقوق مسلم مردم و حتی نیروهای هوادار انقلاب از سوی انحصار طلبان انجام یافته به پیدایش آن زمینه اجتماعی که ضد انقلاب و امپریالیسم آسان تر بتوانند به تشنجات دامن زنند و کار "القاء ایدئولوژیک" خود را گسترش دهند، کمک کرده است.

چرا حزب توده ایران آماج شدیدترین حملات از همه سو گردیده؟

مسلم این است که کشور ما از طرف جبهه متحد امپریالیستی و صهیونیستی و نظام های ارتجاعی جهان به سرکردگی امپریالیسم آمریکا مورد هجوم نظامی، محاصره اقتصادی و جنگ تبلیغاتی قرار گرفته است. این هم مسلم است که بزرگترین خطر در درون کشور برای انقلاب ایران از طرف ستون پنجم گسترش یافت. این جبهه نیرومند و پنهان در دشمنان انقلاب ایران است که به طور خطرناکی در تار و پود دستگاه های اقتصادی و دولتی ما جای گرفته اند. این هم مسلم است که حزب توده ایران در عین آن که نفوذ و اعتبار ارزیابی هایش در دوران انقلاب بالا رفته ولی بدون تردید عامل تعیین کننده در روند انقلاب نیست. با در نظر گرفتن همه این معلومات مسلم این پرسش بجای می تواند بشود که چرا در سست در هفته های اخیر که یکی از مهم ترین توطئه های دشمنان انقلاب ایران به صورت تجاوز نظامی دار. و دست صدام باشکست روبرو شده است، درس در زمانی که اختلاف بین نیروهای آماجکیت و قدرت جمهوری اسلامی که نقش تعیین کننده در سر و سوت انقلاب دارند به میزان بی سابقه ای سدت یافته، دست در زمانی که ضد انقلاب تا آنجا گستاخ شده که به خود اجازه می دهد به رهبر برجسته انقلاب علنا بی حرمتی نماید، حضور شده که به یکبار حزب توده ایران بطور بی سابقه ای آماج "هجوم" از همه سو می گردد؟

این که رادیوی صدای آمریکا، بی بی سی، رادیو بختیار، رادیو اوپسی، رادیو بغداد، رادیو مصر، رادیو اسرائیل، گروه های وابسته به سنو بحم امپریالیسم مانند مائوئیست ها و ریحبری ها و غیره و هم همین چپ نما ها و چپ گرا های رنگارنگ، خلق مسلمان ها و همدستانان در روزنامه های در حال انتشار و منتظران انتشار، لیبرال ها و گام به گامی ها به حزب توده ایران حمله کنند و هتاک کنند، تعجب آور نیست. این حملات حق ماس برای آنکه عمل حزب ماحسی کند و افشا کننده فعالیت های آنانست.

ولی این که دوطرف دعوا و اختلاف در حاکمیت یعنی روزنامه "انقلاب اسلامی" منطقی به آقای رئیس جمهور و روزنامه "جمهوری اسلامی"، "محلطه"، "پیام انقلاب" ارگان سپاه ابداران، گروه های وابسته به سازمان مجاهدین خلق هم حزب ما را آماج همان تهمت هائی قرار می دهد که طی بدست و پنج سال حاکمیت طاغوت در آرمایشگاه های مشترک سیا و موساد و ساواک بحنه و برد احسه سد میبودند، سگفت انگیز است. یکی می گوید که توطئه های امریکاطوری برای ایران نیستند - حطر عمده حزب توده ایران است. دیگری می گوید، حزب توده مخالفین مرا "القاء ایدئولوژیک" می کند و اکثر حزب توده نبود من همه گاره می سدیم. سومی می گوید حزب توده ایران (همانطور که ساواک گفته) در ۳۰ سال پیش خیانت کرده ولی فراموش می کند که ساواک "خیانت" حزب بوده و در سستیانی در دکتر مصدق دانسته و مانند "شاهد"، "تهران مصور" ادعا کرده که حزب توده دگر مصدق را "القاء ایدئولوژیک" کرده و او را به طرف کمونیسم کشانده است. چهارمی می گوید

حزب توده با مکر و حیله و هواداری از خط امام دم لای تله نمی دهد و دارد از اختلافات موجود بین نیروهای خط امام و جبهه های که مخالف خط امام است به سود خود فرصت طلبانه اعتبار و نفوذ جمع می کند. یکی برای "توحه" هتاکتی حقیر و شمشیرکننده خود به حزب توده ایران بهانه می آورد که گویا کسی در جانی پست جلد یک کتاب را تغییر داده (ساید هم اصلا چنین چیزی در حقیقت وجود نداشته و تنها برای این منظور خلق شده است)، یکی هم علیه روزنامه ارگان حزب توده ایران "اعلام حرم" می کند که چرا ضنع گرفتن بخشی از نقل قول از فلاان شخصیت را به استباه نیت کرده است. از طرف خبرگزاری پارس جهر جعل شده، تحریک امر در روغ درباره "حزب توده" ایران به سراسر دیامحاطره می شود.

سخن کوتاه، حب و راست بهانه گیری و دلیل تراسی تنها برای هجوم و هتاک و افترا زسی به حزب توده ایران. چرا؟ باز هم چرا؟

یکی حزب توده ایران را متهم می کند که آخوند سده است و دیگری متهم می کند که آخوندها را کمونیست کرده است. به راستی برای خود مسئولین حزب توده ایران هم کار سوار ی سده که چگونه در این کلاف سردرگم سرخ را پیدا کنند. ولی ما گوش کرده ایم که بالاخره این سرخ را بیرون بیاوریم.

علت این حمله ارسوی امپریالیسم و ضد انقلاب و لیبرال ها و مائوئیست ها و همالکی های با رونس است. بهترین معرف انگیزه این محافل را از این حمله عمومی به حزب توده ایران می توان در یک جریان تاریخی دید که یکی از هم رزمان مبارز نسوه و فقیه غالبقدر آیت الله طالقانی نقل کرده است.

آقای طاهر احمدزاده در مقدمه سخن اول فصل سوم کتاب "طالقانی و تاریخ" این طوری نویسد:

"نهم - ایجاد جو ابهام در جامعه

هنگامی که در چنین شرایط مناسبی امپریالیسم می خواهد توطئه ای را برپا کند احتیاج به آن دارد که جو جامعه دچار ابهام شود. در نهضت مسروطه ... توسط عباس افندی رهبر بهائی ها در "عکا" لوجی به بهائیان ایران و سران مشروطه ایران صادر شد. عین همین جریان را مادر نهضت ملی در زمان "مرحوم سادروان دکتر محمد مصدق" می بینیم. مسهی برجسب دوره نهضت مسروطه بهائی گری بود و در نهضت ملی برجسب "کمونیسم". تبلیغات آنچنان گسوده بود و به صورتی درآمد که به مردم این طور نشان داده شد که جبهه ملی یعنی تسلط کمونیست ها بر ایران، حال اسلام در خطر است برای نجات آن باید قیام کرد.

این جا است که باید از "مرحوم آیت الله طالقانی" یاد کنم که خود ایشان برای شخص بنده تعریف کردند:

"در منزل آیت الله بهبهانی که از علماء درباری بود تنی چند از نویسندگان هم نشسته بودند که به آنها محر می گفتند. در منزل ایشان (آ. بهبهانی) عده ای دیگر هم نشسته بودند. زمان قبل از ۲۸ مرداد بود. نویسندگان با جوهر قرمز به امضای جمعی حزب توده ایران برای علماء و ائمه جماعت سرتاسر ایران با پست نامه نوشتند که محتوای آن این بود: "که ما به زودی شما را با شال های سرتان بالای تیرهای چراغ برق به دار خواهیم زد. امضا حزب توده"

آنها آن مطالب را از منزل آقای بهبهانی می نوشتند و می فرستادند. یکی از نویسندگان که با آیت الله طالقانی آشنا بود برای ایشان می گوید:

"... آنقدر تشستیم و نوشتیم که مدت ها بعد از ۲۸ مرداد آن گشت های ما درد می کرد."

این خطی بود که روزنامه های امریکایی - انگلیسی تهران مصور و "ساهد" و بطایر آن ها قبل از ۲۸ مرداد یعنی در دورانی که حزب توده ایران با تمام نیروی خود از سیاست دکتر مصدق پشتیبانی می کرد با بیگیری دنبال می شد و اکنون از طرف لیبرال ها و مائوئیست ها و ضد انقلاب و بویزه ارگان های مطبوعاتی آن ها روزنامه های میزان و انقلاب اسلامی و ورق پاره های ترجمه های بوک دیبال می شود.

و اما علت اساسی هجوم همه جانبه از سوی آن محافل و شخصیت های که طسف هواداران سمت گیری ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب حای دارند یعنی آقای بنی صدر (بدون همکاران مائوئیست سان)، گردانندگان روزنامه جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین خلق و مجله سپاه پاسداران و شخصیت هایی که در هر سخنرانی، در هر مسجد و هر مشر علی الحساب هم سده مقداری افترا و اتهام از همان زرادخانه گدائی سار حزب ما می کنند این است که صاف و ساده در موضع گیری ها و ارزیابی های مسخض حزب توده ایران در جریان انقلاب کوچک ترس اراد مسخض نمی توانند بگیرند و این موضع گیری ها و ارزیابی ها آئینه های شده است که در آن همه نقاط ضعف، کمبودها و استباهات و انحرافات از سمت گیری واقعی انقلاب نمایان می گردند. سن مسلم است که آئینه های را که ضعف ها را نشان می دهد باید شکست.

ایحاست که این پرسش به جا مطرح خواهد شد: آیا این هجوم کنندگان و هتاکان و توتوری ساران مصور می کنند که بالفرض با سکتی و یا لااقل با سیاهی کسند بر روی آئنه ضعف ما صفت ها و زستی ها از بین خواهند رفت؟ آیا واقعا، اگر حزب توده ایران فردا فعالیت سیاسی خود را برای مدتی تعطیل کرد، دیگر مسائلی که بایه اختلاف جبهه صد خط امام حمینی با خط امام خصمی است همه از بین خواهند رفت و صلح و دوستی بس لیبرال ها و محرومان جامعه برقرار خواهد شد؟ اگر بخت مجلس به طیب خاطر رئیس جمهور و رئیس جمهور به طیب خاطر اگر بخت مجلس عمل خواهند کرد؟ کودکانه است اگر اینطور تصور کنیم!

واقعت اس است که اختلافات در درجه حسب محصول موضع گیری های مسخض دو طرف اختلاف در رمیه بر حورد با اساسی ترین مسائلی است که در مقابل انقلاب قرار گرفته اند، یعنی ربهسک کردن تسلط همه جانبه امپریالیستی و انجام دگرگونی های بنیادی به سود محرومان جامعه و به ریان غارتگران. این گار هم با سعار و سانسوقی به "تسلیم تبسم" انجام نمی کرد و تنها با تصمیمات قاطع و پیگیر انقلابی می توان این مسائل را حل کرد.

حای حزب توده ایران هم در هر شرایطی کاملا روس است. حزب توده ایران در موضع دفاع از استقلال و آزادی و دگرگونی های بنیادی به سود رجمکسان جای گرفته و همیسه در همین موضع حای خواهد داس. مبارزان توده ای سان داده اند که حتی در لحظه ای که به حوب سربار سته سده اند از اس موضع گیری دور گسته اند.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان خواستار ایجاد تغییرات بنیادی در وزارتخانه‌ها کردید. در این جلسه همچنین در مورد «خط گرایش به غرب» هشدار داده شد.

الویری اولین ناطق پیش از دستور جلسه دیروز، در ارتباط با تغییرات بنیادی، که ناشی از انقلاب است، سخن گفت. وی ضمن اشاره به این مسئله که آیا قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ما باید بر مبنای قوانین انقلاب باشد، یا آنچه که از طاغوت به ما رسیده، اظهار داشت:

«شما اگر به وضع اسفناک وزارتخانه‌های ما در دوران دولت موقت نگاه کنید، و وضعیتی که هنوز پس از گذشت ۴ سال از پیروزی انقلاب در این ادارات وجود دارد، متوجه می‌شوید که انقلاب با خود یکسری قوانین جدید آورد، اما سیستم حاکم بر جامعه ما، سیستمی دست‌نخورده از زمان طاغوت بود، که به وسیله یک حرکت انقلابی و بنیادی زیر و رو شد و یکی از کارهایی که در این مقطع زمانی باید به صورت گیرد، این است که وزارتخانه‌های ما از این دوگانگی خارج شوند، دوگانگی‌ای که یکسری به رژیم شاهنشاهی منتقل وصل می‌شود و یک سری به انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، که می‌خواهد انسان بسازد.»

ناطق سپس به مسائل دیگری که امروز کشور و انقلاب با آنها روبروست پرداخت و از جمله به «خط گرایش به غرب» اشاره کرد و گفت:

«این خط انحرافی در مقابل خط اصیل انقلاب قرار دارد... و اینک آن جریان‌های انحرافی که توانست به علت نبودن تشکیلات گسترده در سطح کشور در اوایل انقلاب، خود را بر گروه انقلاب تحمیل کند، آن جریان انحرافی هنوز هم وجود دارد و حالا جناح‌های آن جریان انحرافی سعی دارند با اتحاد و هماهنگی کامل در مقابل خط اصیل انقلاب، که همانا خط اسلام و امام است، بایستند.»

الویری سپس تأکید کرد که بر انقلابیون واقعی است که جریانهایی انحرافی بخصوص خط گرایش به غرب و

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

انقلابیون واقعی باید «خط گرایش به غرب» را بشناسند و بشناساند

مجلس حمله اسرائیل به جنوب لبنان و اخراج شهرداران فلسطینی را محکوم کرد

ویژگی‌های آن را بشناسند و بشناساند. او افزود: «یکی از پارزترین نمودهای این خط گرایش به غرب، با اینکه خود را مکتبی می‌داند، عدول از مکتب است، یعنی برای رسیدن به قدرت دائما از مکتب و خط رهبری عدول می‌کند و عجیب اینکه مقصر را طرف مقابل معرفی می‌کند و همیشه طرف مقابل را متهم به انصارتطلبی و قدرت‌طلبی می‌کند.»

ناطق سپس خطاب به رئیس جمهور گفت: «در روزنامه انقلاب اسلامی، که بهتر است بگوئیم به اصطلاح انقلاب اسلامی، در مقاله‌ای که تحت عنوان کارنامه رئیس‌جمهور منتشر می‌کنند، مطلبی درباره طرح قانونی اداره رادیو و تلویزیون بوده است.»

الویری آنگاه به خواندن قسمتی از این مطلب، که مربوط به تجزیه قوه مجریه به رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیران بود و در آن سؤال شده بود که: چرا این کار در مورد قوای مقننه و قضائیه نشده، پرداخت و اظهار داشت: «آیا غیر از این است که رئیس مجلس و نمایندگان،

رئیس شوراهای قضایی و سایر قضات عضو شورا یک رای دارند؟»

او آنگاه تأکید کرد که به اعتقاد وی در این طرح قانونی بیش از آنکه باید برای رئیس‌جمهور حق رای در نظر گرفته شده است.

الویری در پایان سخنان خود به وضع بازماندگان نوروزعلی خدآوریزاده، یکی از شهدای یادگان لویزان اشاره و تأکید کرد که به علت همان کفایتی اداره‌ها، خانواده این شهید هنوز خانواده شهید محسوب نمی‌شوند!

حملات اسرائیل غاصب

در اینجا حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در مورد حمله اسرائیل به جنوب لبنان و سوء استفاده اسرائیل از وضع نابامان منطقه سخن گفت و سپس افزود:

«در همین حال اسرائیل دو نفر از شهرداران مناطق اشغالی را بیرون می‌کند. این دو نفر از انقلابیون هستند که

در تهران هم بودند، و با وجودیکه شورای امنیت خواستار بازگشت آنها به وطن‌شان شده، ولی اسرائیل غاصب به این امر توجهی نکرده است.»

رئیس مجلس سپس اظهار امیدواری کرد که ایران بتواند روزی با این بی‌عدالتی‌ها مقابله کند و دست ستم را بشکند. او آنگاه این عمل دولت غاصب اسرائیل را محکوم کرد، پس از سخنان حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، مجلس وارد دستور شد و یک لایحه دوفوریتی در مورد ترخیص کالا-های گمرکی در خوزستان مطرح گردید. ۱۵ نفر از نمایندگان ضمن نامه‌ای تأکید کرده بودند که اگر مجلس هرچه سریعتر در مورد ترخیص کالاهای گمرکات خوزستان تصمیم نگیرد، این کالاها به سرویس کالاهای گمرکات خوزستان شش دچار خواهند شد. آنگاه در مورد دوفوریتی بودن این طرح رای گیری شد، که با اکثریت آراء به تصویب رسید.

گزارش دیگری که در این جلسه مطرح شد مربوط به چگونگی مصرف ۱۵ میلیارد ریال برای هزینه‌های عمرانی طرح‌های عشایری بود. در این طرح، سهم استانهای عشایری کشور از همین بودجه و طرح‌های عمرانی موضوع این قانون گنجانده شده است. در مورد مواد مختلف این لایحه رای گرفته شد، که به تصویب رسید.

تغییر نام وزارت بهداشت و پزشکی نیز در دستور کار دیروز مجلس قرار داشت، که به آن رسیدگی شد. این مسئله به دنبال جدا شدن پزشکی از وزارت بهداشت و پزشکی مطرح شده بود. در این مورد چند مسووف و مخالف سخن گفتند. مخالفان این طرح عقیده داشتند که طرح مزبور تنها تغییر نام نیست، بلکه تفکیک دو سازمان از یکدیگر است و باید در مورد آن بررسی بیشتری بعمل آید. آنگاه در این مورد رای گیری شد و با کلیات و اصل این لایحه موافقت به عمل آمد.

در پایان این جلسه، طرحی که تحت عنوان «تأمین محرومان» توسط عده‌ای از نمایندگان تهیه شده، پسرای رسیدگی به مجلس تقدیم شد.

هشدار به مجاهدین

بقیه از صفحه ۱

داخلی آن ندارند، زیرا اگر چنین بود، مجاهدین خلق، درست در آستانه اجرای توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا، اگر موفقی می‌گشت، شاید میلیونها تن از مردم کشور ما را به خاک و خون کشانده بود، در دام تحریکات و خادنه‌سازیهایی عوامل آشکار و نهان امپریالیسم آمریکا نیز و غیره ناگاه قمری و انحصارطلبی، لیبرال و مائوئیستی گرفتار نمی‌شدند و به انحراف از همان مردم و مسزولان از خطر اصلی و واقعی، به تنهید جسو خصومت و تفرقه میان نیروهای خلق و نیز به بدبختی کنشکن و درگیری، که تماما تضعیف کننده نیروی مقاومت خلق است، روی نمی‌آوردند. اگر مجاهدین خلق درک دقیق و درستی از خطر امپریالیسم آمریکا و توطئه‌های آن می‌داشتند، بدینسان آن دشمن ددمنش و سفاک و توطئه گر را به فراموشی نمی‌سپردند و صفحات نشریات و روزنامه‌های آنان سکر در مواردی تصادفی از افشای توطئه امپریالیسم آمریکا تهی نمی‌بود.

مجاهدین خلق بار دیگر، درست در آستانه تدارک اجرای هفتین توطئه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در دام تحریکات و خادنه‌سازیهایی و توطئه‌های ضدانقلاب، لیبرال و مائوئیستی افتاده‌اند و با شرکت خود در تحریکات و درگیریها، بویژه در مدارس، علاوه بر آسیب دشمن می-رینند.

متلما مجاهدین خلق با موفقیت توطئه امپریالیسم آمریکا در سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و تضعیف و نابودی انقلاب ایران موافق نیستند. ولی چطور توجه ندارند و از تجربه تلخ گذشته هیچ درس نگرفته و نیاخته‌اند که پشت هر گردبادی، که به تصور آنان علیه «آزادگی» از یکسو و علیه «خطر کمونیسم» از سوی دیگر، براف افزاده است، شمشیر امپریالیسم آمریکابرابر وارد آوردن ضربه بر انقلاب ایران نیز می‌شده است! اینا آنان طیس و نوزده فراموش کرده‌اند!

آنگون در مقابل چشم‌همگان در جبهه صف آراستند: در یکسو، غارتگران بازار، که به ویژه طی دو سال اخیر چون زال، از خون خلق فربه شده‌اند، سرمایه‌داران بیندک، بساز و بفروش‌ها، زمینداران، فئودالها و چنانیکساران ساواک و سیا و نمایندگان سیاسی آنها، ام از

دوشنفرکنان خودفروش و روحانی-نمایان، که درسد احیای پیوندهای وابستگی به امپریالیسم هستند، با تقسیم اراضی میان دهقانان، ملی شدن بازرگانی خارجی، مصادره اموال غارتگران سرمایه‌دار، دولتی شدن مدارس، مجازات چنانیکساران ساواک و وابستگی به رژیم پهلوی... مخالفند و از تضعیف این مواضع ضد مردمی خویش، که بواسطه تعمیق انقلاب صورت می‌گیرد، خشمگین‌اند و می‌نالدند. ازسوی دیگر، کارگران و دهقانان، زحمتکشان شهر و ده، روشنفکران مترقی و مسلمانان انقلابی بیرو خط امام قرار دارند که دشمن اصلی را امپریالیسم آمریکا می‌دانند و میکوشند تا سنگ بر سنگ منافع وی و طبقات نگذارند.

مجاهدین خلق در این کارزار بی‌امان طبقاتی میان انقلاب و ضدانقلاب، چه موضعی اتخاذ کرده‌اند؟ آیا آنها مشت‌پیروان مزدور خط امپریالیسم را، که از «آزادی» می‌زنند، ولی «آزادی» را برای غارتگران و چنانیکساران می‌خواهند، گنوده‌اند؟ آیا آنها نیروی خود را به حمایت از اقدامات ضد امپریالیستی و خلقی مسلمانان انقلابی بیرو خط امام در دولتی کردن مدارس، دولتی کردن بازرگانی خارجی، اصلاحات ارضی و سمت‌گیری مثبت در سیاست خارجی بکار انداخته‌اند و ندای «آزادی‌خواهی» مخالفین این اقدامات را بعنوان ساووسو تزیین و فریب نموده‌اند، افشا کرده‌اند؟

با نهایت تأسف باید به این پرسشها پاسخ منفی دهیم. مجاهدین خلق بی‌آنکه از محتوی «آزادی‌خواهی» ضدانقلابیون و سازشکاران و تسلیم‌طلبان سخن بگویند و برای توده هوادار خود، مایهت امپریالیستی این توطئه را افشا کنند، خود با آنان همصدا گشته‌اند و به شیوه آنان از فقدان «آزادی» می‌نالند. ایهام در موضعی که مجاهدین خلق تا بدینجاست که توده هوادار این سازمان به آلت دست جنجال-سازیهایی لیبرالها بدل گشته‌اند و متأسفانه در کنار ساواکیهای پنهان و آشکار سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، سیاهی لشکر تفرقه‌افکنی‌های ضدانقلاب را تشکیل میدهند.

مجاهدین خلق ظاهرا می-پندارند که در این جنگ ناگزیر، می‌توانند خود را بر کنار نگاه دارند و از بالای تپه، نبرد نیرو-های «رقیب» را بنظره کنند و هنگامیکه در دو ضعیف گشتند، خود غالب گردند. اما مجاهدین خلق روی تپه زندگی نمیکنند، نظاره‌گر هم نیستند، در وسط صحنه هستند، و بمشابه یک نیروی سیاسی متأسفانه خلاف هدئهای واقعی خویش و بزخلاف مصالح انقلاب، عملا به ضدانقلاب یاری میسرسانند و در جبهه لیبرالها علیه دمکراتهای انقلابی موضع گرفته‌اند. چراچنین شده است؟ مجاهدین خلق معتقدند: «بستن دست مجاهدین خلق و سلب آزادی از آنها، یعنی بازگذاشتن دست امپریالیسم برای غارت خلق و لیختن پذیرش به آمریکا!»

با چنین معیار نادرستی، مجاهدین به همان جانی می‌رسند که اکنون رسیده‌اند. اگر هر نیروی مترقی و انقلابی با چنین معیاری به انقلاب بسیار بفرنج ضد امپریالیستی و خلقی جامعه ما برخورد میکرد و در جنبشی که در آن طبقات و اقشار گوناگون شرکت دارند و بخشی از آنها، گذشته از سمت‌گیریهایی ضد امپریالیستی و خلقی، به‌نسبتی متفاوت، دارای تمایلات انحصار-طلبانه و قمری می‌هستند، این تنوع شکرف طبقاتی را در نظر نمی‌گرفت، بیشک انقلاب ما تاکنون نابود شده بود.

مردم شوروی ...

بقیه از صفحه ۱

(حال می‌خواهد این رژیم در نبرد سخت با امپریالیسم آمریکا درگیر باشد، لایه جاسوسی آرا درم بریزد، روابط خود را با آن قطع کند، توطئه‌هایی یکی از دیگری خطناکتر را، بمناسبت سازش‌ناپذیری خود پذیرا بشود... هیچکدام از اینها این رژیم را «مشروعیت» و «ترقیخواهی» نمی‌بخشد!) «وحشیگری جماعداران و جابان مسلح آنها در آمل»، «گزارشات مستند رومودشکنجه»، «نامه ۳۵ نفر از شخصیتهای مبارز به رئیس‌جمهور در اعتراض به اختناق، شکنجه و حکم تعقیب رهبران مجاهدین»، «اعتراضی گسترده بر علیه حکم ساواک علیه احضار رهبران مجاهدین» و بالاخره «بهران اعتماد عمومی»، تیرهای دیگر هستند. چنانکه ملاحظه میشود، حتی کلمه‌ای در مورد ضرورت حاد ملی شدن بازرگانی خارجی، اجرای قاطع اصلاحات ارضی، سمت‌گیری جدید و مثبت سیاست خارجی و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران در نشریه مجاهدین خلق نیست. آیا مجاهدین خلق علت این را که، نشریه ارگان آنها چنین با «همه‌ان»، ارگان لیبرالها، هم‌مضمون گشته است، از خود سؤال کرده‌اند؟

ترقی و پیشرفت صنایع، بویژه صنایع استخراج معادن، بدون آب غیر قابل تصور است. ذخایر ذغال سنگ و سنگ آهن ایران، بطور عمده، در نواحی بی‌آب متمرکز است. در این زمینه هم، همکاری کارشناسان شوروی و ایران در رشته تیدروژی به دستاوردهای مهمی انجامیده است. پس از کشف منابع آب در کرمان، چندین چاه، تلمبه‌خانه و لوله آب در آنجا احداث شده است. واحدهای استخراج ذغال سنگ، از لحاظ آب برای مصرف صنعتی و گویهائی مسکونی و شهرهای نوساز بی‌ارمون آنها از نظر آب

جاده ساق‌کن ضدانقلاب‌اند. آنوقت دودی که از برافروختن این آتش برمی‌خیزد، بی‌گمان به چشم آنهاست که برای این آتش، خواسته و ندانسته هیزم جمع می‌آوردند نیز خواهد رفت. امیدهم مبارزان راستین انقلاب ایران اینست که مجاهدین خلق هرچه سریعتر در روش نادرست خویش تجدیدنظر کنند و عملا - و نه در حرف - در صف انقلاب قرار گیرند. در شرایط حساس فعلی، انقلاب از همه نیروهای مومن به آماج‌های انقلاب بیشترین مسئولیت و هشیاری را می‌طلبد.

یک پادگان نظامی ...

بقیه از صفحه ۱

رزمندگان زاندام و نیروهای قبرمان بیسج مردمی، یک بولدوزر دشمن را نابود و حدود ۲۰ تن از قوای کفر را کشته و زخمی کردند. ۴- جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، یک پایگاه دشمن، یک تلمبه-خانه نفت در جنوب شرقی عراق، پادگان نظامی پنجویز و ترتمبال نفتی و اسکله «الیه» را هدف حمله خود قرار دادند و به دشمنان انقلاب خساراتی وارد کردند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در طرابلس، ایران ضمن تشکر از مردم قبرمان ایران که با رفع نیازهای مختلف تدارکاتی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نبرد با دشمنان متجاوز صدام را یاری داده‌اند، اعلام کرد:

«ارتش جمهوری اسلامی ایران به وسایلی سنگین راهسازی از قبیل بولدوزر، لسودر، غلطک، کمپرسی، تخلیه‌کن و امثال آن با راننده نیاز دارد.»

این هفته در نامه

«مردم» بزبان کردی می‌خوانید:

- خواستهای مردم مهاباد باید بطور جدی و سریع مورد توجه قرار گیرند.
- اهمیت تبلیغ دیدار ثلثین برژنف و بانوایندیراگاندی برای تبدیل خلیج فارس و اقیانوس هند به منطقه صلح و امنیت.
- پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست که به‌مناسبت تشکیل دومین کنفرانس حزب کمونیست کوبا - با گویای سوسیالیستی آشنا شویم.
- اعلامیه مشترک سازمانهای دانشجویان منطقه به پشتیبانی از انقلاب بزرگ مردمی ایران و مدارک موجود.
- قاسملو: عراق به همان اندازه که ما وابسته است که ما به او!

نامه «مردم» بزبان کردی هر هفته سه‌شنبه‌ها منتشر می‌شود

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

حزب کمونیست فرانسه شصت ساله شد

در پاریس، بناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست فرانسه، مجلس جنبش بریا شد. در این مراسم اعضای سابقه و فعالان حزبی و نمایندگان پارلمان شرکت داشتند. ژوزف مارشال دبیرکل حزب کمونیست فرانسه گفت که حزب کمونیست فرانسه هواره از عدالت و آزادی حمایت کرده و در راه خلع سلاح، صلح، تخفیف تنجیات و همزیستی مسالمت آمیز، بیکار کرده است.

پراودا:

لهستان جزو لاینفک نظام سیاسی، نظامی و اقتصادی سوسیالیسم بوده و هست

پرو رهبران «ناتو» حوادث لهستان را دستاویزی برای افزایش تنش و تشدید مسابقه تسلیحاتی کرده اند

روزنامه پراودا، ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، پیرامون رویدادهای لهستان و دخالت پیمان ناتو در امور لهستان مقاله ای درج کرده است. در این مقاله ضمن تأکید بر این که لهستان کشوری است که جزء لاینفک نظام سیاسی، نظامی و اقتصادی سوسیالیسم بوده و هست، بررسی اوضاع لهستان در اجلاس اخیر پیمان ناتو در بروکسل را «مفسده جویی خطرناک» نام نهاده است. «پراودا» از جمله نوشت:

«اگر کشورهای سوسیالیستی اوضاع یکی از کشورهای عضو پیمان ناتو را در چارچوب پیمان ورشو بررسی می کردند و نظر خود را در باره مسائلی که باید در این کشور حل شود و دگرگونی هایی که باید انجام گیرد، بیان می داشتند، به آسانی می توان تصور کرد که پیمان آتلانتیک شمالی چه عکس العملی در این مورد نشان می داد، و این عکس العمل در صورتی که سازمان پیمان ورشو برای مقابله با انتصابات ممکنه و یا دیگر رویدادهای داخلی به تمرین مداخله مسلحانه خود می پرداخت، چه جنبه ای به خود می گرفت.»

پراودا همچنین تأکید کرد که نیروهای مسلح پیمان تجاوزکار ناتو طرح های مداخله نظامی را، که گویا باید در صورت بروز وضع بحرانی در کشورهای اروپای خاوری عملی شود، مورد بررسی و اصلاح قرار داده اند.

ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، ضمن اشاره به اینکه، اگر اوضاع در لهستان از حیث تسلط دولت و حزب متحد دگرگونی لهستان خارج شود، باطلی سران کشور-های عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است، نوشت:

«گردانندگان پیمان ناتو، برای پوشاندن پشتیبانی محافل امپریالیستی از نیروهای در لهستان، که علیه نظام سوسیالیستی و مقامات ارکان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، ضمن اشاره به اینکه، اگر اوضاع در لهستان از حیث تسلط دولت و حزب متحد دگرگونی لهستان خارج شود، باطلی سران کشور-های عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است، نوشت:

باژو گاندی تسلط های تشنج طلبانه امریکا را محکوم کرد

بانو اندیرا گاندی، نخست وزیر هند، امریکا را بخاطر نفویت نیروهای نظامی خود در اقیانوس هند و ایجاد پایگاه دریایی و هوایی در جزیره دیه گرو-کابریا، محکوم کرد. خانم گاندی این مطلب را در پاسخ پیام سنگین هابل هارپام، رهبر انجمن اعلام کرد. رهبر انجمن در پیام خود از توله های امریکا در اقیانوس هند ابراز نگرانی کرده بود.

خانم گاندی رویا خورد یادآور شد که هند نیز مانند انجمن از تلاش برای نظامی شدن اقیانوس

جبهه خلق برای آزادی عمان و ژنرال شاذلی از پیشنهاد های لئوئید برژنف استقبال کردند

جبهه خلق برای آزادی عمان و همچنین ژنرال شاذلی، دبیرکل جبهه نیروهای دموکراتیک مصر، حمایت خود را از پیشنهاد های اخیر لئوئید برژنف در مورد خلیج فارس اعلام کردند. جبهه خلق برای آزادی عمان از پیشنهاد های لئوئید برژنف برای برقراری صلح پایدار در خلیج فارس و اقیانوس هند استقبال کرد. این جبهه در بیانیه ای که در بیروت منتشر شد، پیشنهاد های برژنف را نشانه ای از تمایل اتحاد شوروی برای از میان بردن کانون های تشنج دانست.

همچنین ژنرال سعدالدین شاذلی، دبیرکل جبهه نیروهای دموکراتیک مصر، جبهه های «نیروهای میهن دوست و آزادیخواه» مخالف رژیم سانسور از پیشنهاد های لئوئید برژنف حمایت کرد. شاذلی در بیانیه ای که در عمان منتشر شد، اعلام کرد که اتحاد شوروی هیچگونه منافع فتنی در منطقه ندارد و هیچوقت تلاش نکرده است آبهای جنوب غربی را به منطقه نفوذ خود تبدیل کند.

نیروهای سوریه، مواضع متجاوزین اسرائیلی را زیر آتش گرفتند

رادیو دمشق اطلاع داد که سپاهیان سوریه در ترکیب نیرو-های پاسدار مسلح عرب در لبنان مواضع نیروهای تجاوزگر اسرائیل در جنوب لبنان را زیر آتش کلوله گرفتند. این رادیو به نقل از اظهارات سخنگوی وزارت دفاع سوریه اعلام کرد که تلفات

جنگ سیاسی باز هم پر بار تر

تلویزیون

«جنگ سیاسی» این هفته شبکه اول تلویزیون، که توسط «گروه سیاسی سیمای جمهوری اسلامی ایران» تهیه می-شود، از هر هفته پر بارتر بود. برنامه شامل ۶ قسمت بود، در اولین قسمت خوشبختانه یکی از نقصهای برنامه گذشته، که آنرا تذکر داده بودیم، برطرف شد و با پخش ادعای خبرنگار آمریکائی و بدنبال آن اعلام تهاجم پلیس امریکا به دانشجویان ایرانی، ماهیت سخنان خبرنگار افشاء شد. قسمت دوم برنامه به قیام شیخ عزالدین قسام، انقلابی فلسطینی، در سال ۱۹۳۵، علیه انگلیسی ها اختصاص داشت، که بسیار افشاگرانه و موثر بود.

قسمت سوم برنامه، «آفریقا در تلاطم» نام داشت. در این قسمت نقش امپریالیستی آمریکائی و اروپائی در کودتا علیه دولت های انقلابی آفریقا و کشتار و استثمار خلق های این قاره افشاء شد. در مورد مقایسه رویداد های اخیر گینه بیسائو با کودتای امپریالیستی علیه قوام تکریمه در غنا و یکسان نشان دادن آنها، ماهوار اطلاعات دنیایی درباره رویدادهای گینه بیسائو نداریم، تا بتوانیم تفاوت قطعی در این زمینه بشنیم. نام و تعداد ارائه شده در این قسمت «پارو اوگاتا»، با واقعیت منطبق در شان «آبیبی» نیست. در ضمن آن نشان داده میشد، اگر پیش از این است، برنامه این هفته بود.

«جریان تشنج زدانه» سرچشمی گامه مقاصد عظمت طلبانه، باژم تا حدود زیادی از تئوری نیست به برخورد سیاسی برخی از دول غربی نیست به مهمترین مسائل جهان شد. با عوانی مواجه گردید. تلاش برای رسیدن به هدف خود، از طریق بکار بردن قدرت و رد راه حل عادلانه و خودداری از انتخاب راه حصول توافق، برای تحویل اراده خود به کشور دیگر، خودداری از بصب آوردن مصالح متقابل برای اجرای نقشه های یکجانبه میثی بر تأمین وضع ممتاز و تسلط بر مناطق پناور جهان، که خودسراغه حیله مصالح حیاتی امریکا اعلام می شود، چنین است سنت پرز مشکلاتی که جهان با آنها روبرو شده و این چنین است پاسخ این سؤال که مشکلات مرده بحث به زمانی بوجود آمد و چه علتی سبب بروز آن شد.

قتل عام «شاین» ها توسط یانکی های «بشر دوست»!

دوشنبه شب گذشته، قسمت دیگری از مجموعه تلویزیونی «سرخیوست های امریکا»، پیش از اخبار، از شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد. سریال «سرخیوست های امریکا»، که برنامه ای از «گروه جوان» تلویزیون است و توسط حسین احمدی و هوشنگ شامد محندلو تهیه میشود و نویسنده ویرز هوشگر آن اسماعیل عباسی است، در این قسمت به ملامت یکی از معروفترین قایق سرخیوست امریکا، «شاین» ها توسط ژنرال کروک آمریکا، در این قسمت نشان داده شد که چگونه در سال ۱۹۹۰ ژنرال کروک آمریکائی، به نمایندگی از سرمایه داری «بویه» دشمن یانکی «شاین» که بیوسته منابع و زمین «آبهای» را طلب میکرد، به «شاین» ها حمله کرد. بعد از کشتار گروسی از سرخیوستان «شاین» ها، فراردهی به آنها تحمل شد که، طبق آن، باید زادگاه خود را ترک میکردند.

دبیرکل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا:

آمریکا تمپیدی جلدی علیه خلق های خلیج فارس و صلح و ثبات منطقه است

نوری عبدالرزاق، کنیل دبیرکل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا، درباره اوضاع تشنج کنونی خلیج فارس گفت: «اوضاع انحصار آمیز کنونی در خلیج فارس نتیجه سیاست های توسعه طلبانه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکاست.» نوری عبدالرزاق گفت: «ما بر این عقیده ایم که تقویت حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و ساختن پایگاه های نظامی، از جمله پایگاه دیکوگاریسیا، ایجاد پایگاه در منطقه خلیج فارس، پایگاه های عمان و همچنین اعلام خلیج فارس بعنوان «منطقه حیاتی» امریکا، تمپیدی جلدی تلیه خلق های خلیج فارس و صلح و ثبات منطقه است.»

نیروهای شوروی از افغانستان بیرون بروند، تا امریکا نتواند در پس نقاب تجاوز شوروی، چهره کثیف خود را پنهان کند. این موضع گیری، بدین معنی است که با اینکه از سر حسن نظر است، نه پسود انقلاب ماست و نه تبلیغ آن به زبان امریکای، زیرا انگیزه لشکرکشی امپریالیسم امریکا و یازان اروپایی و ژاپنی اش را «حضور نیروهای شوروی در افغانستان معرفی می کند. در حالیکه نگاهی به واقعیت های دو سال گذشته نشان میدهد که ناوگان امریکا چند ماه قبل از وقایع افغانستان در منطقه حضور نداشته اند و به آبهای خلیج فارس آمده اند. بعلاوه باید پرسید که: در ۲۵ سال گذشته هم نیروهای شوروی در افغانستان حضور داشته اند، که امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امریکا، به غارت مستقیم منطقه مشغول بود و از جمله میهن ما را به بزرگترین پایگاه نظامی خود تبدیل کرده بود. امیدواریم تهیه کنندگان برنامه با دقت و وسواس بیشتری در این قبیل مواقع موضع گیری کنند.

سیستم دوزخی امریکایی

در همان اتومبیلی که پرورسور و یان جوان کم سن و سال را به یکی از بزرگترین زندان های امریکا میرود، گروهی هم به زندان میروند تا کار خود را آغاز کنند. زندان بزرگ نمونه کوچک جامعه امپریالیست، همه چیز دوزخی امپریالیسم حتی در سلول ها با استفاده از تکرار و مدرن باز و بسته میشود. کلیسا هست، داروخانه هست، ورزشگاه هست، اما آنچه بر این شکل پیشرفته حاکم است، «دانا» محتوای سیستم سرمایه داری، و این مدار و تهاش است. ازاره زندان «بست گامگستر» است که مراد مخدر بین زندانیان پخش می کند و به عقیده های تکرار آنرا را استثمار میکند. هر زندانی تکرار یا باید در این سیستم بعنوان استثمارشونده و یا دست الا شریک استثمار جا بگیرد، یا بهیر. بهین آسان، گامگسترها به وسیله رئیس نگهبان و رئیس زندان که در مورد حاشیه شریک هستند، «ذات» می شوند. سیستم سرمایه داری از گامگستر، که او را به حاشیه ارتکاب جنایت براندان نامحدود محکوم کرده، در داخل زندان استفاده می کند و سود می برد.

دبیرکل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا:

آمریکا تمپیدی جلدی علیه خلق های خلیج فارس و صلح و ثبات منطقه است

نوری عبدالرزاق، کنیل دبیرکل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا، درباره اوضاع تشنج کنونی خلیج فارس گفت: «اوضاع انحصار آمیز کنونی در خلیج فارس نتیجه سیاست های توسعه طلبانه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکاست.» نوری عبدالرزاق گفت: «ما بر این عقیده ایم که تقویت حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و ساختن پایگاه های نظامی، از جمله پایگاه دیکوگاریسیا، ایجاد پایگاه در منطقه خلیج فارس، پایگاه های عمان و همچنین اعلام خلیج فارس بعنوان «منطقه حیاتی» امریکا، تمپیدی جلدی تلیه خلق های خلیج فارس و صلح و ثبات منطقه است.»

دبیرکل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا:

آمریکا تمپیدی جلدی علیه خلق های خلیج فارس و صلح و ثبات منطقه است

نوری عبدالرزاق، کنیل دبیرکل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا، درباره اوضاع تشنج کنونی خلیج فارس گفت: «اوضاع انحصار آمیز کنونی در خلیج فارس نتیجه سیاست های توسعه طلبانه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکاست.» نوری عبدالرزاق گفت: «ما بر این عقیده ایم که تقویت حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و ساختن پایگاه های نظامی، از جمله پایگاه دیکوگاریسیا، ایجاد پایگاه در منطقه خلیج فارس، پایگاه های عمان و همچنین اعلام خلیج فارس بعنوان «منطقه حیاتی» امریکا، تمپیدی جلدی تلیه خلق های خلیج فارس و صلح و ثبات منطقه است.»

نیروهای شوروی از افغانستان بیرون بروند، تا امریکا نتواند در پس نقاب تجاوز شوروی، چهره کثیف خود را پنهان کند. این موضع گیری، بدین معنی است که با اینکه از سر حسن نظر است، نه پسود انقلاب ماست و نه تبلیغ آن به زبان امریکای، زیرا انگیزه لشکرکشی امپریالیسم امریکا و یازان اروپایی و ژاپنی اش را «حضور نیروهای شوروی در افغانستان معرفی می کند. در حالیکه نگاهی به واقعیت های دو سال گذشته نشان میدهد که ناوگان امریکا چند ماه قبل از وقایع افغانستان در منطقه حضور نداشته اند و به آبهای خلیج فارس آمده اند. بعلاوه باید پرسید که: در ۲۵ سال گذشته هم نیروهای شوروی در افغانستان حضور داشته اند، که امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امریکا، به غارت مستقیم منطقه مشغول بود و از جمله میهن ما را به بزرگترین پایگاه نظامی خود تبدیل کرده بود. امیدواریم تهیه کنندگان برنامه با دقت و وسواس بیشتری در این قبیل مواقع موضع گیری کنند.

سیستم دوزخی امریکایی

در همان اتومبیلی که پرورسور و یان جوان کم سن و سال را به یکی از بزرگترین زندان های امریکا میرود، گروهی هم به زندان میروند تا کار خود را آغاز کنند. زندان بزرگ نمونه کوچک جامعه امپریالیست، همه چیز دوزخی امپریالیسم حتی در سلول ها با استفاده از تکرار و مدرن باز و بسته میشود. کلیسا هست، داروخانه هست، ورزشگاه هست، اما آنچه بر این شکل پیشرفته حاکم است، «دانا» محتوای سیستم سرمایه داری، و این مدار و تهاش است. ازاره زندان «بست گامگستر» است که مراد مخدر بین زندانیان پخش می کند و به عقیده های تکرار آنرا را استثمار میکند. هر زندانی تکرار یا باید در این سیستم بعنوان استثمارشونده و یا دست الا شریک استثمار جا بگیرد، یا بهیر. بهین آسان، گامگسترها به وسیله رئیس نگهبان و رئیس زندان که در مورد حاشیه شریک هستند، «ذات» می شوند. سیستم سرمایه داری از گامگستر، که او را به حاشیه ارتکاب جنایت براندان نامحدود محکوم کرده، در داخل زندان استفاده می کند و سود می برد.

دبیرکل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا:

آمریکا تمپیدی جلدی علیه خلق های خلیج فارس و صلح و ثبات منطقه است

نوری عبدالرزاق، کنیل دبیرکل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا، درباره اوضاع تشنج کنونی خلیج فارس گفت: «اوضاع انحصار آمیز کنونی در خلیج فارس نتیجه سیاست های توسعه طلبانه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکاست.» نوری عبدالرزاق گفت: «ما بر این عقیده ایم که تقویت حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و ساختن پایگاه های نظامی، از جمله پایگاه دیکوگاریسیا، ایجاد پایگاه در منطقه خلیج فارس، پایگاه های عمان و همچنین اعلام خلیج فارس بعنوان «منطقه حیاتی» امریکا، تمپیدی جلدی تلیه خلق های خلیج فارس و صلح و ثبات منطقه است.»

دبیرکل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا:

آمریکا تمپیدی جلدی علیه خلق های خلیج فارس و صلح و ثبات منطقه است

نوری عبدالرزاق، کنیل دبیرکل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا، درباره اوضاع تشنج کنونی خلیج فارس گفت: «اوضاع انحصار آمیز کنونی در خلیج فارس نتیجه سیاست های توسعه طلبانه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکاست.» نوری عبدالرزاق گفت: «ما بر این عقیده ایم که تقویت حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و ساختن پایگاه های نظامی، از جمله پایگاه دیکوگاریسیا، ایجاد پایگاه در منطقه خلیج فارس، پایگاه های عمان و همچنین اعلام خلیج فارس بعنوان «منطقه حیاتی» امریکا، تمپیدی جلدی تلیه خلق های خلیج فارس و صلح و ثبات منطقه است.»

خواندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر یا نامه «مردم» مکاتبه کنند: صندوق پستی ۴۱/۳۵۰۱، منطقه ۱۴ پستی تهران